

بخش اجراءات جزائى

جزوه شماره (۱)

كليات اصول محاكمات جزائى

(Introduction to Criminal Procedure law)

جدي ۱۳۹۸

تهيه و ترتيب: سازمان بين المللي انكشاف حقوق (IDLO)

كابل، افغانستان

وب سايت: www.idlo.int

در مورد این جزوه

تمام مواد و مندرجات این جزوه در مطابقت با قوانین افغانستان ترتیب گردیده است. به منظور اطمینان از مطابقت با تعدیلات جدید در قوانین افغانستان لازم است این جزوه در فواصل زمانی معین مورد بازنگری قرار گیرد. حق هر نوع تغییر جزئی یا کلی در این جزوه مربوط به سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) میباشد.

تمام موادی که محتوی این کتاب را تشکیل میدهد برای استفاده شخصی و غیر تجارتي شما است. حق طبع این مواد برای سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) محفوظ می باشد.

قوانین استفاده شده:

- قانون اساسی، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره مسلسل ۸۱۸، سال ۱۳۸۲ .
- قانون اجراءات جزائی، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره مسلسل ۱۱۳۲، سال ۱۳۹۲ .
- کود جزا، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره مسلسل ۱۲۶۰، سال ۱۳۹۶

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول

مفاهیم و عمومیات اصول محاکمات جزائی

- مبحث اول: مفهوم، اهداف، اهمیت و موضوع اصول محاکمات جزائی: ۴
- گفتار اول: مفهوم اصول محاکمات جزائی: ۴
- گفتار دوم: - اهداف اصول محاکمات جزائی: ۷
- گفتار سوم: اهمیت اصول محاکمات جزائی: ۹
- گفتار چهارم: موضوع اصول محاکمات جزائی: ۹
- مبحث دوم: تاریخچه اصول محاکمات جزائی در افغانستان: ۱۰
- مبحث سوم: ارتباط و تفاوت میان قوانین متنی جزائی و اصول محاکمات جزائی: ۱۲
- گفتار اول: تفاوت میان قوانین متنی و شکلی جزائی: ۱۲
- گفتار دوم: ارتباط میان قوانین متنی و شکلی جزائی: ۱۳
- مبحث چهارم: تفاوت میان اصول محاکمات جزائی و مدنی: ۱۴
- مبحث پنجم: مبانی و منابع اصول محاکمات جزائی: ۱۶
- گفتار اول: مبانی اصول محاکمات جزائی ۱۶
- گفتار دوم - منابع اصول محاکمات جزائی: ۱۷
- مطلب اول: منابع اصلی: ۱۷
- مطلب دوم: منابع فرعی: ۲۰
- نتیجه گیری: ۲۳

فصل دوم

نظام های محاکمات جزائی

- مبحث اول: نظام رسیدگی اتهامی: ۲۵
- گفتار اول: ویژه گی های نظام رسیدگی اتهامی: ۲۶
- گفتار دوم: روند محاکمه در نظام اتهامی: ۲۸
- گفتار سوم: خوبی ها و بدی های نظام رسیدگی اتهامی: ۲۹
- مبحث دوم: نظام رسیدگی تفتیشی: ۳۱
- گفتار اول: اصول مهم نظام رسیدگی تفتیشی: ۳۱
- گفتار دوم: محاسن و معایب نظام رسیدگی تفتیشی: ۳۳
- مبحث سوم: نظام رسیدگی مختلط (فرانسوی): ۳۴
- گفتار اول: ویژگی های نظام رسیدگی مختلط: ۳۴
- گفتار دوم: وجه تسمیه: ۳۵
- مبحث چهارم: نظام رسیدگی اسلامی و برخی از ویژه گیهای آن: ۳۶
- گفتار اول: حمایت مصالح فردی و عمومی: ۳۶
- گفتار دوم: یک مرحله یی بودن رسیدگی: ۳۷
- گفتار سوم: وحدت قاضی: ۳۸
- گفتار چهارم: اصل برائت ذمه: ۳۹
- گفتار پنجم: اصل مشروعیت جرم و جزا: ۳۹
- گفتار ششم: عدم جواز تعلیق حکم: ۴۰
- گفتار هفتم: اقامه دعای جزائی توسط اشخاص و جهات متعدد: ۴۱
- مبحث پنجم: سیستم اجراءات جزایی در افغانستان: ۴۳
- مبحث ششم: اصول و راهنمای اجراءات جزائی ۴۳

گفتار اول: اصل برائت ذمه:	۴۴
گفتار دوم: اصل احترام به حق دفاع:	۴۵
گفتار سوم: اصل مساوات در برابر قانون و پیشگاه محکمه:	۴۵
گفتار چهارم: اصل قانونی بودن:	۴۶
گفتار پنجم: اصل تعدد مراحل رسیدگی:	۴۶
گفتار ششم: - اصل سلسله مراتب (یا تقسیم وظایف):	۴۷
مبحث هفتم: ساحه تطبیق قانون اجراءات جزائی:	۴۸
نتیجه گیری	۴۹
فهرست مراجع	۵۱

به نام خداوند بخشاینده مهربان

مقدمه

اصول محاکمات جزائی را می توان به عنوان قواعدی که به منظور متوازن ساختن وظایف مهم دولت جهت پاسداری از قانون و تأمین نظم و حفاظت از حقوق شهروندان مطرح شده، توصیف کرد. این ها وظایف معمول همه دولت ها می باشد.

شایان ذکر است که در عرصه اجراءات جزائی نوعی تقابل و تعارض میان دو مصلحت مهم به چشم می آید. به این توضیح که از یک سو، تأکید بیشتر بالای تطبیق قانون و تأمین نظم، موجب مداخله بیشتر در حقوق افراد می گردد و از سوی دیگر، تأکید بیشتر بر حفظ حقوق افراد، مانع پاسداری مؤثر از قانون و تأمین نظم خواهد شد. نظام عدلی و قضایی دیموکراسی های مبتنی بر قانون اساسی، به طور مداوم تعارض میان احترام به حقوق افراد و حفظ نظم عامه، را تجربه می کنند و راهکارهای حل این تعارض را جستجو می نمایند. یکی از بزرگترین چالش های نظام عدالت جزائی عبارت است از حفظ توازن میان آموزه های مهم موازین محاکمه عادلانه و کنترل جرایم. مثلاً، تأکید بیش از حد بر حقوق فردی ممکن است نقض و بی احترامی به قانون را افزایش دهد.

اشخاصی که گرایش به جرم دارند محدودیت های پولیس در امر گرفتاری، توقیف، تلاشی و سوال جواب را متوجه خواهند شد و میدانند که احتمال گرفتاری شان کم است، و اگر گرفتار هم شوند، وجود تدابیر شکلی پیچیده، در اجراءات محکمه، آنها را قادر به گریز از مجازات خواهند ساخت، اینجاست که مردم در جامعه و حتی در خانه های شان نیز احساس امنیت نخواهند کرد.

از سوی دیگر، اگر مظنونین، مجرم فرض شوند، اگر در برابر اقرارهای اجباری مصون نباشند، اگر در هنگام تلاشی محل و مسکن و یا بدن، حقوق ثابت شان پایمال گردد، اگر به یک مدت زیاد در توقیف خانه ها بدون استماع دعوا توقیف گردند، همه این موارد، پیگیری جرم و تنفیذ قوانین جزایی به صورت غیر عادلانه آن خواهد بود.

لذا، به منظور تطبیق بهتر قانون متنی جزائی، از یک طرف، و رعایت حقوق شهروندان و حمایت آنان از طرف دیگر، ایجاب می نماید تا اجراءات شکلی جزائی که در چوکات (قانون اجراءات جزائی) کشور تنظیم و از ۱۵ جوزای ۱۳۹۳ تا به حال در کشور مرعی الاجراء می باشد، به گونه درست آن تطبیق گردد.

البته قابل درک خواهد بود که تطبیق درست و بهتر قانون نیازمند، آموختن و درک بهتر از مفاهیم و احکام آن است، لذا در کنار تهیه مواد درسی و برنامه های آموزشی معینی که در مورد قانون اجراءات جزائی کشور - برای منسوبین ارگان های عدلی و قضایی کشور- در نظر گرفته شده است، یکی هم کلیات اصول محاکمات جزائی است که موضوع این این جزوه درسی را تشکیل میدهد. در این جزوه درسی که دارای دو فصل بوده و فصل اول آن به (مفاهیم و عمومیات) و فصل دوم آن به (نظام های رسیدگی جزایی) اختصاص یافته است، تلاش خواهد شد، تا کلیات اصول محاکمات جزائی و مباحثی که تحت چتر آن شامل می گردد، خدمت اشتراک کننده گان محترم، عرض و شرح گردد.

فصل اول

مفاهیم و عمومیات اصول محاکمات جزائی

اهداف :

- در اخیر این جلسه آموزشی، اشراک کنندگان قادر خواهند بود تا:
- ☞ مفاهیم ، اهداف، اهمیت و موضوع اصول محاکمات جزائی را شناسائی کنند.
 - ☞ تاریخچه اصول محاکمات جزائی در کشور را بدانند.
 - ☞ قوانین متنی و شکلی جزائی را از همدیگر تفکیک کنند.
 - ☞ ویژگی ها و تفاوت های اصول محاکمه جزایی و مدنی را ارزیابی نمایند.
 - ☞ منابع و مبانی اصول محاکمات جزائی را تشخیص دهند.

عناوین:

- ۱- مفهوم اصول محاکمات جزائی
 - ۲- اهداف اصول محاکمات جزائی
 - ۳- اهمیت اصول محاکمات جزائی
 - ۴- موضوع اصول محاکمات جزائی
 - ۵- تاریخچه اصول محاکمات جزائی در افغانستان
 - ۶- ارتباط و تفاوت میان قوانین متنی جزائی و اصول محاکمات جزائی
 - ۷- تفاوت میان اصول محاکمات جزائی و مدنی
 - ۸- مبانی و منابع اصول محاکمات جزائی
- a. الف منابع اصلی
- b. ب: منابع فرعی

فصل اول

مفاهیم و عمومیات اصول محاکمات جزائی

اصول محاکمات جزائی حاوی مباحث و موضوعات مقدماتی و کلی است که طرح و شناسائی آن قبل از رسیدن به صلب موضوعات و جزئیات اجراءات رسیدگی جزائی لازمی دانسته می شود، زیرا آشنایی با موضوعات مذکور چون، تعریف، اهداف و اهمیت اصول محاکماتی و همچنان، تفاوت های آن با قوانین متنی و انواع دیگری از اصول محاکماتی، در روشن شدن هرچه بهتر موضوع کمک خواهد کرد، از همین رو در این فصل درسی تلاش خواهد شد تا ضمن مباحث بعدی برخی از این مفاهیم و عناوین مقدماتی، مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده شود:

مبحث اول: مفهوم، اهداف، اهمیت و موضوع اصول محاکمات جزائی:

اصول محاکمات مرکب از دو کلمه اصول و محاکمات بوده و دارای شاخه های مختلفی می باشد. مانند اصول محاکمات مدنی، تجارتی و جزائی. لذا برای بیان دقیقتر موضوع، بهتر خواهد بود تا نخست مفاهیم لغوی و اصطلاحی مفردات مذکور را تعریف و سپس مفهوم اصول محاکمات جزائی را بیان نماییم:

گفتار اول: مفهوم اصول محاکمات جزائی:

چنانچه دیده می شود، اصول محاکمات، مرکب از دو کلمه است که هر کدام دارای ریشه و مفهوم لغوی و اصطلاحی خاصی می باشد که ذیلا بیان خواهد شد:

مطلب اول: مفهوم اصول و محاکمات:

اصول که ریشه عربی دارد، جمع اصل بوده و به معانی متعددی چون: پایه، اساس، بیخ و بنیاد هر چیزی، قاعده و قواعد وسیع حقوقی آمده است.

از سوی دیگر، گفته می شود که اصل عبارت از قاعده ای استثنای ناپذیری می باشد که در برگرفته ای تمامی افراد است، مانند: اصل آزادی دریاها، اصل آزادی اراده، اصل وفا به عهد؛ لذا در کل میتوان گفت که مراد از اصل: مجموعه قواعدی است که پایه و اساس رسیدگی پنداشته می شود.^۱

^۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ناشر گنج دانش، ترمینولوژی حقوقی، ۱۳۹۳، ص ۴۸.

کلمه محاکمات نیز اصل عربی داشته و جمع محاکمه می‌باشد. محاکمه به معنای مخاصمه و بردن دعوی به نزد حاکم یا قاضی می‌باشد.^۱

اصول محاکمات در اصطلاح عبارت از مجموع قواعد و تشریفات است که اصحاب دعوا باید هنگام رجوع به مراجع قضایی برای دادخواهی، و نیز مراجع قضایی در ارتباط به مدعیان مذکور، باید رعایت نمایند، تا احقاق حق و فصل خصومت، به گونه شایسته آن انجام پذیرد. بنابراین، اصول محاکمات در مفهوم عام به معنای دستور و روش محاکمه و رسیدگی است که از طریق آن دعاوی جزائی، مدنی و تجاری، توسط طرفین، نزد محکمه، اقامه می‌گردد.^۲

در مورد اصول محاکمات و رابطه آن با قوانین متنی باید گفت که: قانون اصول محاکمات، من حیث مکمل قواعد متنی شناخته شده، عبارت از مجموع قواعد و مقرراتی است که بدسترس اصحاب دعوی و مراجع عدلی و قضای گذاشته شده است تا با بکاربردن آن، زمینه احقاق حق فراهم و به اثر آن، عدالت تأمین و قانون در جامعه، مجال تطبیق را پیدا کند.

از دیدگاه دیگر، اصول محاکمات عبارت از اعمال منظم قواعد حقوقی است که بر جوانب مختلف دعوی روشنی انداخته و متداعیین و قضات، هردو در حل و فصل اختلافات، از آن استفاده می‌نمایند.

مطلب دوم: مفهوم اصول محاکمات جزائی:

اصول محاکمات جزائی یکی از شاخه‌های علوم جنایی بوده و با قوانین جزائی ارتباط بسیار نزدیک دارد و در واقع زمینه ساز تطبیق قوانین متذکره می‌باشد. از نظر حقوقدانان، اصول محاکمات جزائی دارای دو مفهوم عام و خاص می‌باشد. در مفهوم عام، اصول محاکمات جزائی، شامل کلیه ترتیبات و قواعدی می‌گردد که در زمینه کشف جرم، تحقیق و تعقیب آن، دادرسی و اجرای حکم جزائی، از زمان صدور کیفر خواست تا تاریخ صدور حکم قطعی در محاکم باید رعایت شود.^۳

^۱ - <http://www.baheth.info/all.jsp?term> = محاکمه

^۲ - محسن حسن، "نظام‌های دادرسی مدنی" فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی "دوره چهارم، ص ۴، ۱۳۸۹.

^۳ - آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، سال ۱۳۶۸، ص ۲۰.

در مورد اصول محاکمات جزائی نیز تعاریف متعدد صورت گرفته است، که در ذیل به بعضی آن تعاریف و مفاهیم می پردازیم:

اصول محاکمات جزائی عبارت از مجموعه قواعد، مقررات و اصول قبول شده‌ای است که مراحل کشف جرم، تحقیق، تعقیب، محاکمه، تطبیق فیصله‌های محاکم و تضمین حقوق مظنون، متهمین و محکومین را در پروسه اجرایی عدالت جزائی پیش بینی می نماید.

به عبارت دیگر، اصول محاکمات جزائی، مجموع قواعدی است که در دعاوی ناشی از ارتکاب جرم قابلیت تطبیق را داشته و بدسترسی محاکم جزائی گذاشته می شود، تا آن‌ها از یک طرف به اساس آن بالای متخلف مؤیده جزائی را تطبیق و از طرف دیگر متهمین در برابر اتهامات وارده از خود دفاع نمایند. «دفاع در ساده‌ترین مفهومش نشانگر ادعایی است از سوی متهم که به موجب آن در پی تبرئه شدن از اتهام کیفری است.»^۱

از یک نگاه دیگر نیز میتوان گفت که، مراد از اصول محاکمات جزائی، مجموعه تدابیر و اجراءات لازمی است که از زمان وقوع جرم آغاز و تحقیق، دفاعیه یا عکس‌العمل متهمین در برابر اتهامات وارده، حکم محاکم، تطبیق مجازات و ارتباط میان ارگان‌های عدلی و قضایی را در برابر پدیده جرم، تنظیم می کند.^۲

اصول محاکمات جزائی به طور مشخص موارد ذیل را تنظیم میکند:

- چگونگی اجرای فعالیت‌های کشفی به منظور کشف جرم، جمع آوری مدارک و شواهد جرم و شناسایی مجرمین.
- تعقیب و پیگیری موارد نقض قانون و مقررات قانونی.
- چگونگی انجام مرحله کشف و تحقیقات کامل به منظور جمع آوری شواهد و مدارک جرمی کافی بر علیه متهم و در صورت ضرورت، ارجاع قضیه به محاکمه.
- محاکمه متهم در محاکم ابتدائیه، استیناف و ستره محاکمه.

پس می توان گفت، اصول محاکمات جزائی، به مجموعه از اجراءات شکلی اطلاق می گردد که قضات، مدعی‌العموم و همین گونه اصحاب دعاوی جزائی در مراحل مختلف تحقیق و محاکمه، ملزم به رعایت آن می باشند.

^۱ - فضائلی، مصطفی، دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین‌المللی، چاپ سوم، زمستان ۱۳۹۲، ص ۴۳۲.

^۲ - ستانکزی، نصرالله، اصول محاکمات مدنی، انتشارت سعید چاپ اول، سال ۱۳۹۱، صص ۲۰، ۲۱.

گفتار دوم:- اهداف اصول محاکمات جزائی:

حقوق دانان اهداف اصول محاکمات را به دو نکته توجیه می‌نمایند. یکی تأمین منافع جامعه و دیگر تأمین منافع متهم، به این مفهوم که افراد جامعه یک سلسله حقوق و آزادی‌های دارند که دولت‌ها مکلف به رعایت حمایت و تضمین حقوق آنها می‌باشد و هم از جانبی دیگر احتیاج به نظم و آرمش دارند و هیچ فردی حق ندارد به حقوق و آزادی‌های دیگران تجاوز نماید.^۱

مقصد اصول محاکمات جزائی حصول اطمینان از مصؤونیت شهروندان با در نظر داشت حفاظت حقوق اساسی افراد می‌باشد. به این ترتیب، اصول محاکمات جزائی جستجوی تعادل و توازن میان دو نیاز متضاد است: تأمین آزادی افراد و حفظ نظم عامه؛ که البته دفاع از منافع جامعه، مستلزم محاکمه کردن و مجازات مجرمین و دفاع از حقوق و منافع افراد، مهیا ساختن فرصت دفاع و رعایت برخی از حقوقی و تشریفات دیگر را در بر دارد.

. قانون اجراءات جزائی افغانستان مصوب سال ۱۳۹۳ در ماده ۲ اهداف اصول محاکمات جزائی را در ۹ مورد ذیل برشمرده است:

- ۱- کشف سریع و همه جانبه جرم و تشخیص، گرفتاری و تعقیب مظنون یا متهم آن .
- ۲- تحقیق جرم با استفاده از وسایل تخنیکی و روش‌های مسلکی.
- ۳- اقامه دعوی علیه متهم متکی به دلایل اثبات.
- ۴- محاکمه عادلانه به طوریکه هیچ شخص بی گناه مجازات نگردیده و هیچ مجرم از تعقیب عدلی باز نماند.
- ۵- رعایت حقوق فردی مظنون، متهم، محکوم علیه و مجنی علیه و حمایت حقوق جامعه در اجرای تحقیق و تعقیب عدلی .
- ۶- حفظ و احترام شخصیت و کرامت انسانی مجنی علیه، مظنون ، متهم و محکوم علیه.
- ۷- اصلاح و تربیه مجدد مجرم با روحیه اطاعت از احکام دین مقدس اسلام و قوانین، احترام به معتقدات، رعایت اخلاق و آداب عامه و قواعد همزیستی مسالمت آمیز اجتماعی.
- ۸- تأمین نظم و امن عامه و حاکمیت قانون در کشور.
- ۹- جلوگیری از ارتکاب جرایم و نقض قانون.^۲

۱- فارابی، محمد عظیم، نحوه اجراءات اصول محاکمات جزائی، ناشر: انتشارات سعید، ۱۳۹۵، ص ۵.

۲- آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، ص ۴۶

هدف اصلی در این مورد، جلوگیری از ارتکاب جرم و تأمین نظم جامعه می‌باشد. و از اینرو می‌توان اهمیت و نقش آن را در زندگی اجتماعی به خوبی درک نمود.

از طرف دیگر، دسته‌ای از دانشمندان، اهداف اصول محاکمات جزائی را قرار ذیل تقسیم بندی نموده اند:

۱- تأمین منافع جامعه:

هدف اصلی قانون گذار از تدوین مقررات شکلی در عرص حقوق جزا همان تأمین منافع جامعه از طریق کشف، تعقیب و جزا دادن مجرمین است؛^۱ تا زمینه استقرار و استمرار نظم پایدار و آرامش خاطر شهروندان در عرصه های مختلف اقتصادی، صنعتی، سیاسی و فرهنگی زندگی فراهم شود. یعنی با اجرا و رعایت اصول و اساسات حقوق جزائی شکلی، اشخاصی که مرتکب جرم نگردیده اند حمایت و مجرمینی که آسایش عمومی را برهم میزنند به نحو مناسبی به سزای اعمال خود برسند، تا این امر سبب عبرت و ترس برای سایر افراد جامعه نیز گردد.

۲- تأمین منافع افراد:

اگر چه هدف اصلی در اصول محاکمات جزائی، همانا رسیدگی به جنبه عمومی جرم است که غرض تحقق منافع جامعه صورت می گیرد؛ ولی گاهی جنبه خصوصی جرم و تأمین منافع افراد جامعه نیز طبق قواعد اصول محاکمات جزائی؛ در محکمه جزائی مورد رسیدگی قرار می گیرد، به عنوان مثال در جرم سرقت علاوه بر جنبه عمومی جزایی، گاهی بحث دعوی حق العبدی ناشی از این جرم نیز در محکمه مطرح می گردد. بناءً اثبات خسارات مدنی افراد و جبران آن نیز گاهی در اصول محاکمات جزائی مطرح گردیده و قانونگذار چنین هدفی را در راستای حمایت از منافع افراد در نظر گرفته است.

۳- تأمین منافع متهم و حمایت از آن:

ازینکه اقامه دعوی جزائی از طرف خاارنوالی، و در عین حال، اقامه دعوی حق العبدی از جانب متضررین، متهم را در وضعیت حساسی قرار داده و مقابله با خاارنوال و شاکی خصوصی، را برای متهم دشوار می سازد، از طرف دیگر، افکار و فرهنگ عمومی نیز در اغلب حالات، بر علیه متهم قرار داشته و وی را از نظر روانی و اجتماعی در وضعیت بدی قرار میدهد، در همچو وضعیتی، تنها احکام و قواعد اصول محاکمات جزائی میتواند تا تمامی اجراءات و سازکارهای یک محاکمه عادلانه برای متهم را تأمین و وی را از هر نوع اتهامات و اوصاف مغایر با

^۱ - علامه، غلام حیدر، اصول محاکمات جزایی افغانستان، چاپ دو، نشر دانشگاه ابن سینا، تابستان ۱۳۹۶، ص ۲۳.

قانون، حمایت و در مقابل دعاوی بی اساس و مغرضانه مقامات خارنوالی و قضایی و سایر اشخاص عادی، به مقابله برخیزد تا هیچ شخص مورد ظلم و استبداد و خودستانی‌های دست اندرکارن قضایی قرار نگیرد.^۱

گفتار سوم: اهمیت اصول محاکمات جزائی:

قواعد متنی یا آن دسته قواعدی که حقوق و تعهدات اشخاص را معین می‌نماید، به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای یک جامعه برای تأمین عدالت باشد، بلکه تدوین مقررات محاکماتی به مفهوم عام کلمه، می‌تواند متمم آن محسوب گردد. در حقیقت اصول محاکمات، ضمانت اجرائی حقوقی و تأمین عدالت را به عهده دارد که در قواعد متنی برای اشخاص پیش‌بینی و هدف آن تضمین حقوق مزبور می‌باشد.

«عدالت جزائی آرمان مشترک تمامی بشریت است؛ به این معنا که هرگاه جرمی ارتکاب یابد، عدالت باید اجرا شود و در صورت محکومیت به مجازات، جزای آن متناسب با جرم برای وی مدنظر گرفته شود که سبب اصلاح و بازگشت مجدد او به دامن اجتماع گردد. جامعه نیز اجرای عدالت را مشاهده کند و اطمینان یابد که دولت در قبال اجرای عدالت مسؤلیت پذیر و حساس است، از این طریق آرامش و امنیت جامعه که بر اثر وقوع جرم خدشه دار شده است دوباره باز گردد».^۲

اصول محاکمات در همه نظام‌های حقوقی اهمیت خاص و فراوانی دارد، زیرا رعایت آن، رسیدگی به دعاوی در محاکم - از تقدیم عرایض تا صدور حکم - را منظم‌تر و سریع‌تر ساخته، حقوق طرفین به گونه بهتر تأمین و جریان دعوی به صورت دقیق بررسی می‌گردد.^۳

گفتار چهارم: موضوع اصول محاکمات جزائی:

موضوع اصلی، اصول محاکمات جزائی تنها نظارت بر قوانین و مقرراتی است که برای رسیدگی به جرم عمومی یا جنبه عمومی جرم پیش‌بینی شده است. به عبارت دیگر اصول محاکمات جزائی در اصل به نحوه رسیدگی به جرایمی می‌پردازد که به طور مستقیم به جامعه و منافع عمومی رابطه داشته و جامعه متضرر اصلی آن می‌باشد؛ اما مسایل مدنی و تجارتي که در اغلب حالات به منافع افراد تعلق دارد، طبق قواعد و اصول شکلی جداگانه بررسی

^۱ - هوشمند، عبدالقاهر، اصول محاکمات جزایی، کابل، انتشارات سعید، ۱۳۹۵، صص ۱۱، ۱۳

^۲ - علامه، غلام حیدر، عدالت جزایی در افغانستان، نشر عرفان، تهران ۱۳۹۰، ص ۱۵.

^۳ - همان، ص ۱۴-۱۵

میگردد، با این هم، گاهی ممکن است برخی منازعات مدنی که ناشی از جرایم باشد، غرض سهولت و آسانی توسط محاکم جزائی حل و فصل گردد.^۱

بناء به گونه جزئی و فرعی ممکن است گاهی اوقات، برخی از قضایای مدنی نیز تحت چتر قواعد و اصول محاکمات جزائی رسیدگی می گردد.

مبحث دوم: تاریخچه اصول محاکمات جزائی در افغانستان:

در کشور ما افغانستان، قوانین معمولاً بعد از سال (۱۷۴۷م) با تأسیس افغانستان کنونی توسط احمد شاه ابدالی یکی از سرداران نادرشاه بوجود آمد. در این دوران امور قضایی در انحصار علما بوده و به دلیل این که حکومت مرکزی اختیارات و مزایای زیادی را در اختیار علما و مفتیان گذاشته بود، و آنان از حکومت حمایت می کردند.

در زمان امیر دوست محمد خان سیستم قضایی به دو دسته کوتوال و محکمه تقسیم می شد. اما رسیدگی حقیقی در محاکم و بر اساس منابع شرعی، انجام می شد که منبع رسیدگی منابع شرعی بود، اما نتیجه تصمیمات مهم صادره از محکمه و کوتوالی را شاه تأیید می کرد.^۲

در دوره امیر شیرعلی خان، طی برنامه‌های اصلاحی که به راهنمایی‌های سید جمال‌الدین افغان صورت گرفت، نظام نامه‌ها و تعلیم نامه‌های وضع شد که از جمله می‌توان به مجموعه قوانین بنام فتاوی امیر یا تشریح الجرائم اشاره کرده که با استفاده از کتب معتبر فقهی در ۴۱ باب تهیه و تنظیم شده بود.

امیر حبیب الله خان مرکز بزرگ علمی برای تحقیقات علوم اسلامی بنام و عنوان (محفل میزان التحقیقات الشرعیه) در شهر کابل تأسیس و تشکیل نمود. اعضای محفل میزان التحقیقات الشرعیه (۹) نفر عالم بودند که وظایف تألیف، تصحیح، ترجمه و تحقیق را بر دمه داشتند.

سراج الاحکام فی معاملات الاسلام که نتیجه مساعی اعضای میزان التحقیقات الشرعیه و مشتمل بر یک مقدمه و چهل کتاب و یک خاتمه بود، متضمن برخی از احکام اصول محاکمات جزئی نیز بود.

در عصر امیر عبدالرحمن خان نیز تحولات بیشتری در عرصه قضاء و قانون ایجاد گردید و در فصل ششم نظامنامه اساسی سال ۱۳۰۲ هـ ش، تحت عنوان محاکم، در مورد فیصله‌ها و اجراءات محاکم عدلی، اصول و

^۱ - علامه، غلام حیدر، عدالت جزایی در افغانستان، نشر عرفان، تهران ۱۳۹۰، ص ۱۶

^۲ - <http://herawi.blogfa.com/post/۲>/تاریخچه-محاکم-درافغانستان

پرنسیب های محاکماتی درج گردید که فشرده آن - ضمن ماده های ۵۰ الی ۵۵ و غیره مواد نظامنامه - شامل موضوعات چون: علنیت محاکمه، حق دفاع، عدم معطلی فیصله، استقلال محاکم و انحصار محاکمه؛ می گردید. امان الله خان نیز به کمک مستشاران ترکی خویش نظام نامه های متعددی را تنظیم و صادر نمود که شامل نظام نامه جزای عمومی، نظام نامه عسکری، نظام نامه محاکمات جزائی مامورین، نظام محکمه شرعیه در باب معاملات تجارت، نظام نامه هدایات فیصله قتل و حبس دوام و.... می گردید.

بطور عام، اولین قانون راجع به اصول محاکمات در سال ۱۳۳۷ به نام اصول اجراءات محاکمات حقوقی عدلی وضع شد. این قانون توانسته بود با در نظر گرفتن بسیاری از اصول حاکم بر رسیدگی در برقراری عدالت در حوزه اصول محاکمات (برقراری محاکمه عادلانه) کمک قابل توجهی را بکند.^۱

گفته میتوانیم که اولین قانون اختصاصی در رابطه به اصول محاکمات جزائی در کشور، نافذ گردید، قانون اجراءات جزائی بوده است که به تاریخ ۵ جوزای ۱۳۴۴ در جریده رسمی شماره ۴ نشر و حاوی ۴ کتاب، ۴۱ فصل و ۴۸۴ ماده بود.

به تعقیب آن قانون کشف و تحقیق جرایم و نظارت حارنوالی بر قانونیت تطبیق آن، که حاوی ۸ فصل و ۵۱ ماده بود، به تاریخ ۱۵ حمل ۱۳۵۸، در جریده رسمی شماره (۱) تحت شماره مسلسل ۴۲۴، نشر و نافذ گردید.

سپس قانون اجراءات جزائی موقت که مشتمل بر ۱۵ فصل و ۹۸ ماده بود، به تاریخ ۶ حوت ۱۳۸۲ در جریده رسمی شماره ۸۲۰ نشر و برای مدت موقت نافذ گردید.

در کنار قانون اجراءات جزائی موقت مزبور و همزمان با مرعی الاجراء بودن آن، قانون اجراءات جزائی محاکم عسکری نیز به تاریخ ۲۰ دلو سال ۱۳۸۴ صادر و در جریده رسمی شماره ۸۷۶ نشر گردید، متعاقبا قانون مذکور با صدور قانون اجراءات جزائی عسکری سال ۱۳۸۹ لغو گردید، قانون اخیر شامل ۷ فصل و ۶۳ ماده بوده و به تاریخ ۲۰ ثور ۱۳۸۹ در جریده رسمی شماره ۱۰۲۰ نشر گردید.^۲

اخیرا قانون اجراءات جزائی جدید، ضمن ۴ باب، ۴۸ فصل و ۳۸۲ ماده، به تاریخ ۵ ثور ۱۳۹۳ در جریده رسمی شماره ۱۱۳۲ نشر و در ماده اخیر آن تصریح گردیده است که با انفاذ این قانون، قانون اجراءات جزائی منتشره جریده

^۱ - علامه، غلام حیدر، عدالت جزایی در افغانستان، نشر عرفان، تهران ۱۳۹۰، ص ۱۵-۱۶.

^۲ - <http://law.acku.edu.af/fa/search/site>

رسمی شماره (۲۶) مورخ ۱۳۴۴/۳/۵ با تعدیلات آن منتشره جراید رسمی شماره (۴۵) مؤرخ ۱۳۴۴/۱۱/۱۶ شماره (۹۰) مؤرخ ۱۳۴۶/۷/۱۸ شماره (۲۶۸) مؤرخ ۱۳۵۳/۱/۱۵ شماره (۵۴۷) مؤرخ ۱۳۶۲/۱۰/۱۵ شماره (۶۵۷) مؤرخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۲ و شماره (۷۶۳) مؤرخ ۱۳۷۰/۱۲/۱۷ ، قانون کشف و تحقیق جرایم و نظارت خاړنوالی بر قانونیت تطبیق آن منتشره جریده رسمی شماره (۴۲۴) مؤرخ ۱۳۵۸/۱/۱۵ با تعدیلات آن منتشره جراید رسمی شماره (۴۹۸) مؤرخ ۱۳۶۰/۱۰/۱ شماره (۶۸۸) مؤرخ ۱۳۶۸/۱/۱۵ و شماره ۷۳۷ مؤرخ ۱۳۶۹/۱۲/۳۰ ، قانون اجراءات جزائی موقت برای محاکم منتشره جریده رسمی شماره (۸۲۰) مؤرخ ۱۳۸۲/۱۲/۶ و تعدیل فقره (۳) ماده (۸۳) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم منتشره جریده رسمی شماره (۱۰۱۳) مؤرخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۰ و احکام مندرج مواد (۱۶۱ الی ۱۷۱) قانون جزاء منتشره جریده رسمی شماره (۳۴۷) سال ۱۳۵۵ ملغی شمرده میشود.

این قانون در حال حاضر^۱ نافذ و مرعی الاجراء بوده، اجراءات رسیدگی به قضایای جزائی ، در پرتو احکام این قانون و ضمایم و تعدیلات آن، ، تنظیم و تطبیق می گردد.

مبحث سوم: ارتباط و تفاوت میان قوانین متنی جزائی و اصول محاکمات جزائی:

قوانین جزائی به دو دسته ماهوی و شکلی، تقسیم می گردد، این دو نوع قانون از یک طرف از همدیگر جدا و از طرف دیگر باهم مرتبط بوده به تعبیر دیگر، متمم و یا مکمل یک دیگر اند، لذا تحت این مبحث، برای درک ارتباط و تفاوت میان این نوع قوانین، گفتنی های خواهیم داشت که ضمن دوگفتار بعدی، بیان خواهد شد:

گفتار اول: تفاوت میان قوانین متنی و شکلی جزائی:

قبل از اینکه روی ارتباط این دو قانون باهم بحث شود، در آغاز باید گفت که : قوانین ماهوی یا متنی جزائی شامل دسته حقوق عمومی داخلی می شود که از جرم و مجازات، عناصر جرم، کیفیات و شرایط احوال مخففه و مشدده و مجازات مرتکبین جرایم، بحث می کند. در حالی که اصول محاکمات جزائی شامل دسته حقوق مختلط داخلی بوده و موضوعات مربوط به طرز بررسی و رسیدگی قضایای جزائی یا از قواعد مربوط به کشف، تحقیق، محاکمه، تشکیلات و صلاحیت های ارگانهای ذیربط، صحبت نموده، برای تطبیق احکام قانون متنی یا ماهوی خدمت

^۱ - حین نگارش و تهیه این جزوه درسی (۲۵ حمل ۱۳۹۹ هـ، ش).

می‌نماید. قوانین ماهوی جزائی شامل قوانین جزائی عمومی، قوانین جزائی خصوصی، قوانین جزائی بین‌المللی می‌باشد. در حالی که قانون شکلی جزائی شامل اصول محاکمه جزائی می‌گردد.

با در نظر داشت موضوع و هدف، این دو نوع قوانین را به آسانی می‌توان از هم تفکیک نمود. زیرا هدف از قوانین متنی جزائی ذکر جرم، جزا و حالات بخصوص آن به خاطر حفظ نظام اجتماعی است. در حالی که قوانین شکلی جزائی بیش تر توجه به حمایت حقوق و آزادی‌های مظنون و متهم دارد. اما مواردی وجود دارد که این دو نوع قانون را با هم نزدیک می‌سازد. یا به عبارت دیگر برخی از قواعد در حقوق متنی وجود دارد که بیش تر به نفع متهم است به گونه‌ی مثال قواعد مربوط به علل موجهه جرم یا اسباب تبرئه کننده جرمی، با وجود آن که از جمله قوانین متنی است، اما بیشتر به قوانین شکلی شباهت دارند. همین گونه قواعد شکلی وجود دارد که بیشتر به ضرر مظنون و متهم بود و سهولت‌های را غرض تعقیب عدلی آنان خلق می‌نماید.^۱ همچنان در قوانین ماهوی جزای، اصل بر تفسیر مضیق بوده و قاضی نمی‌تواند با تفسیر موسع مثلاً از طریق قیاس، اعمال ارتكابی افراد را با قوانین جزائی تطبیق دهد و برای آنها مجازات تعیین نماید.^۲

گفتار دوم: ارتباط میان قوانین متنی و شکلی جزائی:

با در نظر داشت تفکیک و تقارب یا شده میان این دو قانون، حالا در پیوند به ارتباط میان این دو نوع قوانین باید گفت که ارتباط آنها در موارد ذیل خلاصه می‌گردد:

- ۱- قانون اصول محاکمات جزائی در صورت مطرح خواهد بود که مسبقاً احکام و قوانین جزائی وجود داشته باشد. در غیر آن اصول محاکمات جزائی بدون موجودیت قانون متنی کاربردی نخواهد داشت.
- ۲- از نظر برخی دانشمندان حقوق؛ قانون متنی جزائی، قاعده است ساکت و بی روح؛ که وضع و تطبیق قانون اصول محاکمات جزائی، به آن روح می‌بخشد و زمینه تطبیق آن را مساعد می‌سازد.^۳
- ۳- قانون متنی جزائی نسبت به قوانین شکلی جزایی، دارای پیشینه و قدامت زیادتر است.

^۱ - رسولی، محمد اشرف، شرح و توضیح قانون اجراء جزایی، وزارت عدلیه، سال ۱۳۹۴، ص ۶

^۲ - همان، اصول محاکمات جزائی افغانستان، ص ۲۵

^۳ - زراعت، عباس، آئین دادرسی کیفری ۱، نشر قانون مدار، چاپ اول، تهران، سال ۱۳۹۰، ص ۴۳.

مبحث چهارم: تفاوت میان اصول محاکمات جزائی و مدنی :

اصول محاکمات جزائی و مدنی در ابتدا یکسان بوده و میان آنان اختلافی وجود نداشت، اما با انکشاف روش های رسیدگی قضایی، به تدریج میان این دو نوع اصول محاکمات تفاوت های به وجود آمد، که طی سطور بعدی، به بعضی از این تفاوت ها اشاره ای خواهد شد:

اول: از لحاظ موضوع:

موضوع اصول محاکمات جزائی را جنبه عمومی دعوی جزائی، تشکیل میدهد، زیرا هدف از آن مساعد ساختن زمینه تطبیق قانون (کود) جزا می باشد. از سوی دیگر در دعوی جزائی؛ آزادی، شرف و حیثیت افراد در معرض خطر قرار می گیرد و بدین ترتیب طبیعی است که قواعد و مقررات رسیدگی جزائی، متفاوت تر از اصول محاکمات مدنی باشد.^۱ در حالی که در اصول محاکمات مدنی، موضوع دعوی را اموال منقول و غیرمنقول، قراردادهای، و تعهدات تشکیل می دهد.

دوم: طرفین دعوی:

در دعوی جزائی که موضوع رسیدگی را بررسی جرم تشکیل می دهد. یکی از طرفین دعوی مظنون یا متهم یا نماینده قانونی آن ها بوده و در طرف مقابل، نماینده دولت یا مدعی العموم قرار دارد. از این لحاظ میان طرفین دعوی جزائی و مدنی و صلاحیت ها و مسؤولیت های آنان، تفاوت های وجود دارد. طوریکه در دعوی جزایی، نماینده دولت حق صلح، سازش با متهم و یاهم تنازل و گذشت از دعوی و یا حقوق متضرر و مجنی علیه را ندارد، اما در دعوی حق العبدی یا مدنی، طرفین دعوی به شمول شخص متضرر، می توانند هر زمان که بخواهند دعوی خود را ترک، یا اصلاً آن را مطرح نکنند و یا مصالحه نمایند.

از طرف دیگر، در محاکمات مدنی دعوی میان دو طرف خصوصی میباشد در حالیکه در محاکمات جزائی یک طرف دعوی دولت بوده و دعوی از طریق خارتوال پیش برده میشود.

^۱ - همان، اصول محاکمات جزائی افغانستان، ص ۲۶.

سوم: مرجع رسیدگی:

مرجع رسیدگی قضایای جزایی مدنی یا حق العبدی نیز از هم متفاوت می‌باشد. زیرا مراجع کشف، تحقیق و تعقیب جرم، متشکل از پولیس، خرنوال و قاضی اختصاصی بخش جزائی می‌باشد. در حالی که مرجع بررسی قضایای مدنی و حق العبدی، نهادهای حقوقی به ویژه اداره حقوق و محکمه می‌باشد.

چهارم: دلایل اثبات:

برای اثبات هر گونه دعوی؛ طرفین مکلفیت دارند تا دلایلی را ارائه نمایند. به همین گونه قضات محاکم نیز مکلفیت دارند تا با اتکا به این دلایل در مورد اثبات یا رد مدافعات یا مطالبات طرفین، تصمیم اتخاذ نمایند. دلایل معتبر در دعاوی جزائی، جدا و متفاوت از دلایلی است که در موضوعات مدنی یا حق العبدی یا خصوصی مطرح می‌گردد. این دلایل به طور جداگانه در قوانین اصول محاکمات تعیین و در محاکم طبق آن اجراء صورت می‌گیرد.

پنجم: وظیفه اثبات:

اثبات هر نوع ادعا در دعاوی مطروحه از جمله وظایف مدعی می‌باشد. طوری که اثبات دعاوی جزائی مسؤلیت مدعی العموم، یا نماینده دولت و اثبات دعاوی مدنی یا حق العبدی از وظایف مدعی خصوصی می‌باشد. به همین گونه در رابطه به استفاده از حکم قانون یا تفسیر آن، استفاده از عرف و سایر موارد نیز میان این دو نوع اصول محاکمات، تفاوت‌های وجود دارد.

مبحث پنجم: مبانی و منابع اصول محاکمات جزائی:

بحث مبانی و منابع از اساسی‌ترین مباحث در هر موضوع می‌باشد. چون مبانی عنوان دلیل و توجیه‌کننده عمل به یک قاعده پنداشته می‌شود و منابع مکان اخذ و مرجع تسهیل‌کننده برای دریافت مطالب می‌باشد. برای یادگیری مطالب، فهم اساسی و تقویت هر بحث، شناخت مبانی و منابع آن، از ضروریات عمده موضوع دانسته می‌شود، به همین جهت، طی سطور بعدی به بیان مبانی و منابع اصول محاکمات جزایی پرداخته خواهد شد:

گفتار اول: مبانی اصول محاکمات جزائی

مبانی جمع مبنای معنای جاها، بناها و بنیان‌ها یا اساس‌ها آمده است.^۱ یعنی پایه، اساس، بنیاد و شالوده هر نظام حقوقی، مبنای آن می‌باشد.

در اصطلاح حقوقدانان، مبنی عبارت است از اصل یا قاعده کلی که نظام حقوق مبتنی بر آن باشد و قواعد و مقررات حقوقی بر اساس آن وضع گردد.^۲ به عبارت دیگر مبنا یک نیروی پنهانی است که الزام‌آوری و مشروعیت قواعد حقوقی را توجیه می‌کند.

اصول محاکمات جزائی با این که یک قانون شکلی و غیرماهوی می‌باشد. باید دارای مبانی و توجیه‌کننده‌های واقعی باشد، که در مجموع میتوان گفت موارد ذیل از جمله مبانی اصول محاکمات جزایی دانسته می‌شود:

الف: تأمین عدالت:

تأمین عدالت و دادگری واقعی یکی از مبانی مهم و اساسی اصول محاکمات جزائی می‌باشد که در پرتوی این قواعد حقوق اطراف دعوی، حقوق جامعه، حقوق متهم و مظنون، به شکل درست و دقیق آن تأمین می‌گردد. از طرف دیگر اگر قوانین ماهوی حاوی قواعدی باشد که تضمین‌کننده عدالت واقعی باشد. اما در یک سیاق و چوکات منظم و شایسته اجراء نگردد، نمی‌تواند عدالت را تأمین نماید.

ب: تأمین مصلحت:

واقع‌گرایان برین باورند که اساس قوانین را مصلحت و منفعت تشکیل می‌دهد، زیرا هر قانون برای این ایجاد می‌گردد که تأمین‌کننده مصلحت جامعه و افراد باشد. اصول محاکمات جزائی نیز به عنوان قوانین شکلی و راه

^۱ - علی اکبر دهخدا، شهیدی سید جعفر، غلام رضا ستوده، لغت نامه فرهنگ متوسط دهخدا، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، سال ۱۳۹۵، ص ۲۵۷۳.

^۲ - درآمدی بر حقوق اسلامی، ص ۱۶۹.

بردی بر اساس مصلحت اطراف ذی دخل، تدوین و تصویب گردیده است، مصالحی که باید در جریان تعقیب، تحقیق و محاکمه اشخاص متهم و مظنون و همچنان متضرر یا مجنی علیه، تأمین و رعایت گردد.

ج: تأمین نظم در جامعه:

یکی از اهداف اساسی جزا، تأمین نظم در جامعه است؛ به خصوص جوامعی که از نظم سیاسی بهتر و تمدن تاریخی کهن تر، برخوردارند، همواره دست به دامان قواعد و مقررات شکلی برده و از این طریق توانسته اند، به اجرای مقررات ماهوی دست یابند. لذا میتوان گفت که افزون بر قوانین ماهوی، نظم یک جامعه، منوط به یک سلسله قوانین شکلی نیز می باشد.

گفتار دوم - منابع اصول محاکمات جزائی:

اصول محاکمات جزایی دارای دو منبع اصلی و فرعی می باشد:

مطلب اول: منابع اصلی:

منابع اصلی به آن دسته از منابعی گفته می شود که جنبه الزامی داشته و مراجعه به آنها یک امر انکار ناپذیر پنداشته می شود. به عبارت دیگر منابع اصلی عبارت از منابعی می باشد که در مرحله ای اول به آن مراجعه می گردد و استفاده از آن، نیاز به تفتیش اندک دارد، این منابع عبارتند از:

۱- قانون اساسی:

قانون اساسی به عنوان قانون مادر و یا اصل تمام قوانین، در برگیرنده بسیاری از مسائل عمده و اساسی کشور است که بصورت مختصر و کلی مطرح می گردد، تا در روشنایی آن قوانین اختصاصی و تفصیلی دیگری، وضع و به اجراء گذاشته شود. اصول محاکمات جزائی نیز در قانون اساسی ۱۳۸۲ کشور، به عنوان یک بخش اساسی از حقوق عمومی، تبارز داده شده و ماده های این قانون، حاوی احکام و قواعدیست که در قانون اصول محاکمات جزایی مطرح گردیده است.

قانون اساسی یکی از مهم ترین و قوی ترین منبع اجراءات جزائی بوده و چندین ماده آن، در رابطه به حفاظت از حقوق افراد، احکام صریحی دارد، به طور مثال، ماده های ۲، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۱، ۳۲، ۳۸، ۴۰، بند (۱) ماده ۷۵، ماده ۱۲۳ و ماده ۱۳۴ قانون اساسی، حاوی احکامی است که جزء از اصول محاکمات جزائی

دانسته شده و بر مبنای همین احکام، قانون اصول محاکمات جزائی در سال ۱۳۹۳ به تصویب رسید. در حال حاضر، در رابطه به مسایل شکلی جزائی، طبق همین قانون اجراءات صورت می‌گیرد. برخی از احکام مندرج قانون اساسی که منبع اصول محاکمات جزائی دانسته شده و از جمله محاور اساسی اصول محاکمات جزائی شناخته می‌شود ت (ماده های ۲۶-۴۰) قرار ذیل است:

- برائت ذمه حالت اصلي است.
- جرم یک عمل شخصي است.
- هیچ عملي جرم شمرده نمي شود، مگر به حکم قانوني که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.
- هیچ یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم، به دولت خارجي سپرده نمي شود، مگر بر اساس معامله بالمثل و پیمان های بین الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد.
- تعذیب (شکنجه) انسان ممنوع است.
- اظهار، اقرار و شهادتي که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد.
- هر شخص مي تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند.
- مدیون بودن شخص موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمي شود.
- مسکن شخص از تعرض مصون است.
- ملکیت از تعرض مصون است.

۲- قانون اصول محاکمات جزائی:

هدف از قانون اصول محاکمات جزائی، آن دسته از قواعدی است که در فرایند یک عمل حقوقی و قانون گذاری از مجرای حقیقی و واقعی خود به تصویب رسیده و در خدمت نهادهای عدلی و قضاء قرار گرفته باشد. اصول محاکمات جزائی به عنوان اصلی ترین منبع برای دریافت قواعد شکلی یک قضیه می باشد؛ زیرا معمولاً کشور های جهان برای اجرایی شدن مواد مشخص از قانون اساسی که شامل اصول محاکمات می باشد. قواعد شکلی را در یک قانون جداگانه به تصویب می‌رسانند. قانون اصول محاکمات (اجراءات جزائی) افغانستان که به شکل دقیق و سنجیده به بیان قواعد شکلی پرداخته است، نیز منبعی از منابع اصول محاکمات جزائی دانسته می‌شود.

۳- سایر قوانین

اصول محاکمات معمولاً به طور واضح و دقیق در قانون جداگانه تنظیم می‌گردد. البته این عملکرد مانع این نمی‌شود که در وقت نیاز و عدم موجودیت یک قاعده در متن قانون اصول محاکمات، به قوانین دیگر مراجعه نمود. بلکه ممکن است عند الاقتضاء، از احکام و مفاد سایر قوانین، چون قانون جزا، قانون صلاحیت و تشکیل محاکم و خارنوالی و سایر قوانین، استفاده نمود. زیرا قوانین عادی نیز یکی از منابع مهم اجراءات جزائی را تشکیل داده و ذیلاً از برخی آن‌ها نام برده می‌شود:

- قانون اجراءات جزائی منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۳۲ مؤرخ ۱۵ ثور ۱۳۹۳ (همراه با تعدیلات و اضافات آن، منتشره جراید رسمی شماره های ۱۱۹۰، ۱۲۸۶ و ۱۳۱۸).
- قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، منتشره جریده رسمی شماره ۸۴۶ مؤرخ ۳ سنبله ۱۳۸۴ (همراه با تعدیلات آن، منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۲۸).
- قانون تشکیل و صلاحیت محاکم، منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۰۹ مؤرخ ۹ سرطان ۱۳۹۲ (همراه با تعدیلات آن منتشره جراید رسمی شماره های ۱۱۲۸، ۱۱۵ و ۱۱۴۶).
- قانون تشکیل و صلاحیت خارنوالی منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۱۷ مؤرخ ۱۵ میزان ۱۳۹۲ (و تعدیلات آن منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۸۶).
- قانون پولیس منتشره جریده رسمی شماره ۹۹۴ مؤرخ ۵ سنبله ۱۳۸۸.
- قانون محاکم عسکری منتشره جریده رسمی شماره ۱۰۳۴ مؤرخ ۱۶ اسد ۱۳۸۹^۱.

^۱ - صالحی، محمد شفیع، اصول محاکمات جزائی، نشر مستقبل، کابل، سال ۱۳۹۴، ص ۲۳.

یادداشت: قانون محاکم عسکری که با صدور قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۰۹ مؤرخ ۹ سرطان ۱۳۹۲، لغو گردیده بود، مجدداً نافذ و انفاذ مجدد آن در جریده رسمی شماره ۱۳۱۸ مؤرخ ۲۹ میزان ۱۳۹۷ نشر گردیده است.

مطلب دوم: منابع فرعی:

طور که قبلاً بیان شد، منابع فرعی صبغة اختیاری و غیرالزامی دارد، در اصول محاکمات جزائی هرچند در قدم اول به منابع اصلی مراجعه می‌گردد، اما گاهی اگر کاستی‌ها یا خلاهای وجود داشته باشد، می‌توان از منابع فرعی چون: رویه‌های قضایی، دکترین حقوق و عرف نیز کمک و یاری جست، که ذیلاً به آنها پرداخته خواهد شد:

۱ - رویه‌های قضایی و یا متحد المآل‌ها:

رویه قضایی عبارت از شیوه عملی قضات در مورد نحوه اعمال قوانین می‌باشد، که شامل آرای ستره محکمه به ویژه آرای مجمع عمومی ستره محکمه - در مقام ایجاد متحد المآل‌ها - برای تمام محاکم افغانستان می‌باشد.

اما نادیده نباید گرفت که رویه قضایی برای سایر دوسیه‌ها و سایر محاکم الزام آور نمی‌باشد، بلکه جزء از منابع فرعی تلقی می‌گردد. داکتر ناصر کاتوزیان در کتاب فلسفه علم حقوق در مورد رویه قضایی چنین گفته است: مجموع آرای قضایی است. ولی به معنی خاص خود ناظر به فرضی است که محاکم یا دسته‌ای از آنها در باره حکم یکی از مسائل حقوقی، روش یکسان در پیش گیرند و به اندازه‌ای آراء راجع به آن مسأله تکرار شود که می‌توان گفت هرگاه محاکم با چنین مشکلی روبرو شوند، همان تصمیم را خواهند گرفت.^۱ که در نتیجه می‌توان گفت، رویه قضایی قاعده مشترک آرای محاکم و رسم متداول میان قضات است.

متحد المآل‌های قضایی نیز ممکن است از جمله منابع فرعی اصول محاکمات جزائی باشد، اما همانند رویه قضایی جنبه الزامی و عمومی ندارد، چنانچه در بند سوم ماده پنجم طرز العمل استهدائیه ستره محکمه، گفته شده است که " نظریات تطبیقی و مشورتی که از طریق شعبات ستره محکمه تنظیم می‌شود، جنبه الزامی نداشته، اساس حکم محکمه قرار نمی‌گیرد، بلکه محکمه مربوط میتواند بحیث یک نظر مشورتی از آن استفاده نماید و در اصدار حکم و اتخاذ تجویز، آزادی کامل دارد".^۲

^۱ - کاتوزیان، ناصر، فلسفه علم حقوق، جلد ۲، شرکت سهامی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۵۳۳.

^۲ - اسناد و مصوبات سیمینار عالی رؤسای محاکم منعقد ۱۲-۱۷ عقرب ۱۳۶۸، صفحات ۲۱۷-۲۱۸. (تصویب شماره ۶۶۵ مؤرخ ۱۳۸۶/۸/۲۹ مقام عالی ستره محکمه)

۲- نظریات علمای حقوق:

نظریات علمای حقوق، که در تفسیر و توجیه قوانین جزائی شکلی و اصلاح آن مفید و مؤثر باشد، نیز ممکن است از جمله منابع فرعی اصول محاکمات جزائی محسوب گردد.

قضات می‌توانند در صورت عدم کشف حکم قضیه در قانون یا منابع شرعی و فقهی یا متحدالمآل‌ها، از عقاید و نظریات علمای حقوق استفاده نموده و حکم مقتضی برای قضیه را صادر نمایند. هم‌چنین هر حقوقدانی باید از دکترین و نظریات سایر دانشمندان حقوق در باب تفسیر، تحلیل و نظریه پردازی‌های آنان، آگاهی کافی داشته باشد تا بتواند از شمع نیمه روشن آنان، در جهت توسعه و تکامل مباحث حقوق جزا استفاده نماید.

۳- عرف:

یکی از منابع فرعی دیگر اصول محاکمات جزایی عرف است؛ عرف در لغت به معنای شناختگی، معرفت، بخشش، معروف، مشهور، عادت و آن چه بین مردم معمول و متداول باشد، آمده است.^۱

در تعریف عرف گفته شده است که «قاعده است که به تدریج و خود به خود میان همه مردم یا گروهی از آنان به عنوان قاعده یی الزام آور مرسوم شده است».^۲

عرف زمانی معتبر شناخته می‌شود که وصف استمرار یا تکراری و در عین حال الزام آوری داشته باشد،

البته احتمال تغییر و عدم استقرار عرف و هم‌چنان شناخته شدن و یا نشدن آن در سطوح اجتماعی کوچک و بزرگ و یا هم به تعبیر دیگر، متداول بودن آن در نزد بعض و عدم آشنایی دیگران به آن، از مشکلات عرف دانسته شده و از همین رو، به عرف عام و خاص تقسیم می‌گردد.

چنانچه گفته شد، در برخی موارد، ممکن است، برای تحصیل، استنباط و اجرای مقررات محاکمات جزائی، باید به نظریات عامه مردم و آداب و رسوم آنان، مراجعه نمود. به عنوان مثال در ماده ۲۱۳ قانون اصول محاکمات جزائی بیان شده است که: "جلسه قضائی علنی بوده، هر شخص می‌تواند در آن حضور یابد، مگر اینکه، رئیس بخشی از جلسه یا تمام آنرا نظر به دلایل اخلاقی، حفظ اسرار خانوادگی یا حفظ نظم یا امن عامه، سری اعلان

^۱ - معین، فرهنگ معین، شش جلد، نشر مؤسسه امیر کبیر، تهران، سال ۱۳۶۳، ص ۲۸۸.

^۲ - کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی، نشر سهامی، تهران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸.

نماید" که غرض تطبیق این ماده، ناگزیریم برای شناخت دلایل اخلاقی، و دانستن حدود و مجال اسرار خانوادگی، به قواعد عرفی مردم و فرهنگ حاکم بر جامعه، مراجعه نموده و از آن استمداد جست.

همچنان طبق اصول محاکمات جزائی، اگر مظنون هنگام ارتکاب جرم و یا بعد از اندک فاصله زمانی، دستگیر شود، جرم وی به عنوان جرم مشهود تلقی شده و مامور ضبط قضایی صلاحیت گرفتاری وی را خواهد داشت. که درین جا قانون برای شناخت " زمان اندک" معیار یا شاخص معینی را تعیین نکرده است بلکه برای فهم و درک این کلمه ناگزیریم به عرف مردم مراجعه نماییم. پس دیده می شود که عرف حاکم گاهی منحصراً یکی از منابع اصول محاکمات جزائی، قرار می گیرد.

۴ - منابع بین‌المللی

افغانستان چندین معاهدات بین‌المللی حقوق بشر چون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون منع شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده، کنوانسیون حقوق طفل و دیگر اسناد های بین‌المللی را امضاء کرده است. این اسناد احکام متعددی پیرامون اجراءات جزائی دارد که حکم آنها مطابق مواد ۶ و ۷ قانون اساسی، بالای دولت افغانستان، نظام قضایی و پولیس کشور، الزام شناخته می شود.

نتیجه گیری:

در خاتمه این فصل خواننده محترم نتایج ذیل را بدست خواهد آورد:

- اصول محاکمات که یکی از بخش‌های پراهمیت در روند رسیدگی قضایی و عدالت خواهی می‌باشد، مرکب از دو کلمه‌ای اصول و محاکمات بوده و دارای شاخه‌های مختلف مدنی، تجارتنی و جزائی می‌باشد. اصول محاکمات جزائی یکی از شاخه‌های علوم جنایی و در واقع زمینه ساز تطبیق قوانین جزایی می‌باشد.
- اصول محاکمات جزایی، در همه نظام‌های حقوقی اهمیت خاص و فراوانی دارد، زیرا رعایت آن، رسیدگی به دعاوی در محاکم - از تقدیم عرایض تا صدور حکم - را منظم تر و سریع تر ساخته، حقوق طرفین به گونه بهتر تأمین و جریان دعوی به صورت دقیق بررسی می‌گردد.
- مهمترین اهداف اصول محاکمات جزایی در تأمین منافع افراد، تأمین منافع جامعه و تأمین منافع متهم و حمایت وی، خلاصه گردیده و اهداف تفصیلی آن عبارتست از: کشف سریع و همه جانبه جرم و تشخیص، گرفتاری و تعقیب مظنون یا متهم آن؛ تحقیق جرم با استفاده از وسایل تخنیکی و روش‌های مسلکی؛ اقامه دعوی علیه متهم متکی به دلایل اثبات؛ محاکمه عادلانه به طوریکه هیچ شخص بی گناه مجازات نگردیده و هیچ مجرم از تعقیب عدلی باز نماند؛ رعایت حقوق فردی مظنون، متهم، محکوم علیه و مجنی علیه و حمایه حقوق جامعه در اجرای تحقیق و تعقیب عدلی؛ حفظ و احترام شخصیت و کرامت انسانی مجنی علیه، مظنون، متهم و محکوم علیه؛ اصلاح و تربیه مجدد مجرم با روحیه اطاعت از احکام دین مقدس اسلام و قوانین؛ احترام به معتقدات، رعایت اخلاق و آداب عامه و قواعد همزیستی مسالمت آمیز اجتماعی؛ تأمین نظم و امن عامه و حاکمیت قانون در کشور؛ جلوگیری از ارتکاب جرایم و نقض قانون.
- قانون اصول محاکمات جزائی که یک قانون شکلی است، از حیث وجود متأخر تر از قوانین متنی جزایی بوده و در صورت این قانون کاربرد خواهد داشت که قوانین متنی جزایی، مسبقاً رفتارهای مشخص را جرم انگاری و جزای مرتکب آن را تعیین نموده باشد.
- تفاوت‌ها میان اصول محاکمات جزائی و مدنی در نوعیت و چگونگی موضوع دعوی، طرفین دعوی، مراجع پی گیری دعوی، دلایل اثبات و وظیفه اثبات، بیشتر تبارز می‌کند.
- مبانی اصول محاکمات جزایی را تأمین عدالت، تأمین مصلحت و تأمین نظم در جامعه تشکیل می‌دهد.
- منابع اصول محاکمات جزایی به دوی بخش اصلی و فرعی تقسیم و قانون اساسی، قانون اصول محاکمات جزایی و قوانین دیگری چون قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، تشکیل و صلاحیت خارنوالی، تخلفات اطفال و سایر قوانین ذی ربط از جمله منابع اصلی اصول محاکمات دانسته شده و منافع فرعی آن را رویه‌های قضایی و متحد المآل‌ها، دکترین حقوقی، عرف و منابع بین المللی تشکیل میدهد.

فصل دوم

نظام های محاکمات جزائی

اهداف درس دوم:

در اخیر این درس، اشراک کنندگان قادر خواهند بود تا:

- ☞ چارچوب نظام رسیدگی اتهامی، خوبی ها و بدی های آن را به بررسی بگیرند.
- ☞ اصول، ویژگی ها، محاسن و معایب نظام رسیدگی تفتیشی را شناسائی نمایند.
- ☞ نظام رسیدگی مختلط و ویژگی های آن را ارزیابی نمایند.
- ☞ نظام رسیدگی اسلامی و خصوصیات آن را درک و تشخیص دهند.
- ☞ با سیستم اجراءات جزائی افغانستان و شیوه آن آشنایی حاصل کنند.
- ☞ اصول و رهنمای های کلی اجراءات جزائی شناسائی و تطبیق کنند.

عناوین:

- ۱- نظام رسیدگی اتهامی
 - ۲- نظام رسیدگی تفتیشی
 - ۳- نظام رسیدگی مختلط (فرانسوی)
 - ۴- نظام رسیدگی اسلامی و برخی از ویژه گیهای آن
 - ۵- سیستم اجراءات جزایی در افغانستان
 - ۶- اصول و راهنمای اجراءات جزائی
- a. اصل براءت ذمه
 - b. اصل احترام به حق دفاع
 - c. اصل مساوات در برابر قانون و پیشگاه محکمه
 - d. اصل قانونی بودن
 - e. اصل تعدد مراحل رسیدگی
 - f. اصل سلسله مراتب (یا تقسیم وظایف)

فصل دوم

نظام های محاکمات جزائی

در جوامع مختلف بنابر عرف رایج و فلسفه حاکم بر جامعه، جهت حل منازعات و مشکلات، راه حل های مناسب جستجو و انتخاب می گردد، که درین میان، برای رسیدگی به دعاوی جزائی نیز شیوه های خاصی تعیین و وضع گردیده است. در برخی از این سیستم ها، حمایت از متهم و در برخی دیگری حمایت از جامعه و در جوامع دیگری نیز هر دو جنبه آن، منحصراً اهداف کلی، مطمح نظر بوده و افزون بر آن، ویژگی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دینی و عنعنوی حاکم بر جوامع، نیز در انتخاب نحوه خاص اصول محاکماتی، نقش مؤثری داشته است.

بطور معمول، در اصول و اجراءات جزایی، دو نوع سیستم که اولی به نام سیستم اتهامی و دومی به نام سیستم تفتیشی یاد میشود، مورد بحث، مناقشه و مقایسه قرار می گیرد، نوع سومی آن که بنام سیستم مختلط یاد میشود، در حقیقت، بنابر انتقادات منتقدین بالای دو سیستم یاد شده و بر مبنای آن، ایجاد شده است، که طی سطور بعدی روی هر کدام مکتبی خواهیم داشت:

مبحث اول: نظام رسیدگی اتهامی:

اصول محاکمات جزایی هنگامی به نام سیستم اتهامی یاد می گردد که قضیه با یک اتهام آغاز و بر اساس آن، مجنی علیه و مجرم در محکمه، در مقابل همدیگر قرار می گیرند، اجراءات جزایی این سیستم بصورت شفاهی، علنی و به شکل تدافعی بوده، و به نظر میرسد که حمایت از حقوق متهم، هدف عمده و اساسی این سیستم باشد. البته این سیستم معایب و نواقصی نیز با خود دارد، زیرا ممکن است فقدان منابع منجر به انصراف مجنی علیه از تعقیب و پیگیری قضیه گردیده و در نتیجه آن مجرمین به مصؤونیت بیشتری دست یابند. و بنیاد و اساس آن نیز بر انتقام جوی و گرفتن قصاص از مجرم، بنا یافته و فلسفه آن نیز تسکین روحی شخص مجنی علیه و تشفی خاطر وی دانسته می شود.

سیستم اتهامی نسبت به سایر نظام های محاکماتی جزایی، دارای پیشینه و قدامت تاریخی بوده در زمان های گذشته، ابتدا در یونان و روم قدیم و بعدها در کشور انگلستان تطبیق گردید. سپس در کشورهای آلمان و اتریش

و سایر کشورهای اروپایی نیز مروج گردید. اما در حال حاضر این نظام، به همان خصوصیات و شیوه قبلی آن در هیچ کشوری مورد تطبیق قرار ندارد. بلکه بعد از آوردن برخی تغییرات در آن، در کشورهای انگلیس، ایالات متحده امریکا، استرالیا و کانادا اعمال می‌شود.^۱

تحت این مبحث، در رابطه به ویژه گی ها ، خوبی ها و بدی های این سیستم، بحث کوتاهی خواهیم داشت که ذیلا بیان می‌گردد:

گفتار اول : ویژه گی های نظام رسیدگی اتهامی :

ویژه گیهای نظام رسیدگی جزائی اتهامی را می‌توان در نکات آتی خلاصه نمود:

اول: نقش محوری مجنی علیه در پیگیری مجرم:

در نظام اتهامی، تعقیب جزائی مجرم، عمدتاً به عهده متضرر از جرم یا مجنی علیه قرار داشته و در صورت شکایت مجنی علیه، محکمه اقدام به رسیدگی قضیه می‌نماید. برعکس اگر متضرر به مراجع عدلی و قضایی مراجعه نکرده و از پیگیری متهم منصرف شود. مراجع رسمی دولتی نمی‌توانند متهم را تحت تعقیب عدلی قرار دهند. به دلیل این که چنین مرجعی وجود ندارد، یا این که دولت اصلاً بدون شکایت شاکی خصوصی؛ تعقیب جرم و مجرم را ضروری ندانسته و اقداماتی را انجام نمی‌دهد.

در این سیستم نه تنها بار شکایت به عهده متضرر است، بلکه وی مکلف می‌گردد تا سوگند یاد کند که تا ختم رسیدگی، از شکایت خود منصرف نگردد. در صورت انصراف یا عدم پیگیری شکایت مطرح شده از جانب شاکی، شخص شاکی، مستحق مجازات دانسته می‌شود. در این رابطه یکی از حقوقدانان می‌گوید:

" در این نظام، برای جلوگیری از طرح شکایت‌های ناروا، شاکی را سوگند می‌دادند که از دعوی خود تا پایان محاکمه صرف نظر نکند و الا به مجازات اتهامی که به دیگری وارد آورده، یا حسب مورد به مجازات دیگر محکوم می‌شد."^۲

۱ - جویبار، رجب گلدوست، کلیات آئین دادرسی کیفری، نشر جنگل جاویدان، تهران، سال ۱۳۸۶، ص ۲۱.

۲ - آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، چاپ هفتم، جلد ۱، نشر سمت، تهران، سال ۱۳۸۱، صص ۲۱، ۲۲.

دوم: شیوه تدافعی رسیدگی :

در این نظام؛ رسیدگی در محکمه به شکل تدافعی صورت می‌گیرد. به این معنی که طرفین در مورد توجیه اتهام و دفع آن، نقش بارزی داشته، مجنی علیه، تهمت را به متهم منسوب، و متهم از خود دفاع می‌کند. حتی پرسش از شهود نیز به وسیله شاکی و متهم صورت گرفته و آنها - همانند طرفین دعوای مدنی - در برابر هم استدلال نمی‌نمایند. وظیفه قضات استماع جریانات قضیه و اتخاذ تصمیم در ختم آن می‌باشد. البته حق داشتن متهم در گرفتن وکیل مدافع، از همان مراحل آغازین قضیه، یکی از خوبی‌های این نظام به شمار می‌آید.

سوم: نبود قضات مسلکی در رسیدگی قضیه:

در این نوع رسیدگی جزائی، قاضی مسلکی ویا متخصص، وجود ندارد بلکه قضیه توسط اشخاص عادی که از قواعد و مقررات رسیدگی جزائی آگاهی و اطلاعات کافی ندارند، رسیدگی و بررسی می‌گردد.

چهارم: شفاهی بودن اجراءات رسیدگی:

مرجع رسیدگی کننده، تمام اجراءات رسیدگی را به شکل شفاهی انجام داده و هیچگونه اسناد و شواهد تحریری یا دوسیه ای در زمینه وجود ندارد. شخص متضرر شکایت خود را ارائه و مقابلتاً متهم نیز شفاها از خود به دفاع نموده و قاضی غیرحرفه یی در حالی که حتی اظهارات طرفین را نیز ثبت نمی‌نماید. در موضوع ارائه شده به قضاوت پرداخته و فیصله خود را صادر می‌کند. به قول یکی از حقوقدانان، این امر به این معنا نیست که هیچ مطلبی مکتوب نشود و ممکن است منشی دادگاه دلایل شاکی و مدافعات متهم را بنویسد.^۱

پنجم: نقش مؤثر جریان جلسه در قناعت گیری قضات:

در این سیستم، قضات مدافعات طرفین و دلایل آنان را استماع و بر مبنای آن تصمیم شان را اعلان می‌دارند. به این معنا که هر طرفی که بتواند با چرب زبانی و بلاغت بیشتر دلایل خود را به گونه روشن و بهتر بیان نماید. برنده میدان شناخته می‌شود. در این نوع رسیدگی یک مرحله ای، قضات فیصله شانرا را صادر و تصمیم آنان قطعی بوده مرحله استینافی ندارد.

^۱ - جویباری، گلدوست، کلیات آئین دادرسی کیفری، ص ۲۲

ششم: علنی بودن محاکمه:

در این نوع رسیدگی، محاکمه به شکل علنی بوده و تمام افراد حق شرکت در جلسات محکمه، و شنیدن دلایل شاکی، متهم و وکلای مدافع آنان را دارند، آنان حق دارند جریان قضیه، و همچنان تصمیم و یا حکم محکمه را شنیده و آنرا مورد تحلیل و تجزیه همه جانبه نیز قرار دهند که در این حالت، قضات طبیعتاً تحت تأثیر افکار عامه و مردم قرار گرفته و کوشش می‌نمایند تا در قضاوت شان، دقیق باشند.

هفتم: هیئت منصفه:

ازینکه نظام رسیدگی اتهامی، بر اصل دموکراسی استوار است، قضات از بخش‌ها و افراد مختلف جامعه انتخاب و تعداد آنان بیش و کم به ۱۲ نفر می‌رسد که به نام هیئت منصفه یاد گردیده و در رابطه به مسؤلیت یا عدم مسؤلیت مظنون یا متهم ابراز نظر می‌نمایند.

هشتم: نحوه استنتاج و یا قناعت گیری قضات:

قضاتی که در این سیستم به جرایم رسیدگی می‌نمایند، از قدرت بیش‌تری برخوردار بوده و می‌توانند با دست‌باز به دلایلی اتکا کنند که سبب اقناع وجدان خود شان شود. آن‌ها می‌توانند حتی به اقرار متهم نیز وقعی نگذاشته و با نظر داشت علمی که خود از قضیه حاصل می‌کنند حکم صادر نمایند. در روم قدیم، محاکمه افراد در بازارهای عمومی شهر صورت می‌گرفت و موضوع به آگاهی همه رسانیده شده و روزهای خاصی برای این کار اختصاص داده می‌شد.

در نظام اتهامی، ادله اثبات شامل شهادت شهود، اقرار و سوگند گردیده و متهم مکلف بود تا بی‌گناهی خویش را ثابت نماید، و ازینکه آنان به اصل براءت معتقد نبودند، متهم مجبور بود تا برای اثبات بی‌گناهی خویش قسم یاد کند و حتی ضرور بود تا گاهی افراد دیگری نیز در این قسم، با وی شریک شوند.

گفتار دوم: روند محاکمه در نظام اتهامی:

در روند محاکمه نظام اتهامی، شاکی پس از حضور در جلسه محاکمه باید شکایت خود را مطرح کند. در صورت اعتراف متهم، قاضی رأی مقتضی را صادر خواهد کرد. این قاعده هم اکنون نیز در حقوق انگلیسی رعایت می‌شود. نخستین پرسشی قاضی از متهم این است که آیا اتهام را قبول دارد یا خیر؟ در صورت اقرار

متهم، نیازی به اظهار نظر هیأت منصفه نبوده و قاضی خودش مجازات را تعیین می‌کند؛ اما اگر متهم، اتهام یا اتهامات را نپذیرفت در آن صورت رسیدگی آغاز می‌شود.^۱

گفتار سوم: خوبی‌ها و بدی‌های نظام رسیدگی اتهامی:

نظام رسیدگی اتهامی علی‌الرغم داشتن برخی از کاستی‌ها و اضرار، یک سلسله خوبی‌ها نیز داشت که بعدها، بنابر همین ویژگی‌های خوب آن، نظام مختلط به وجود آمد. اینک در زیر به برخی از این خوبی‌ها و بدی‌های آن اشاره صورت می‌گیرد.^۲

مطلب اول: خوبی‌های نظام رسیدگی اتهامی:

نظام رسیدگی اتهامی یک سلسله خوبی‌های داشت که ذیلاً به مهتمین آن‌ها اشاره می‌گردد:

- یکی از بهترین خوبی‌های نظام رسیدگی اتهامی این بود که در آن محاکمه به شکل علنی برگزار می‌شد. چون مردم در چنین محاکمات حق حضور را داشته و قضات تحت تأثیر افکار عمومی کوشش می‌نمودند تا طوری قضاوت نمایند که عدالت به بهترین وجه آن تأمین گردد و با این کار خود اسباب رضایت مردم را فراهم می‌ساختند.
- برای متهم حق و آزادی کامل داده می‌شد تا اتهامات وارده خود را به هر وسیله‌ای که می‌توانستند، رد نمایند.
- از لحاظ اصول ساده بوده و در رابطه به رعایت حقوق متهمین، مزیت‌های خاص داشت.
- متهم و شاکی هر دو در اقامه دعوی و دفاع، آزادی کامل داشتند و می‌توانستند برای خود وکیل مدافع تعیین نمایند. به ویژه متهم، که این حق برای وی اهمیت بسزای داشت.^۳

^۱ - همان، نحوه اجراء اصول محاکمات جزائی، ص ۱۱-۱۲.

^۲ - آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، ص ۲۱.

^۳ - آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، ص ۷۰.

مطلب دوم: بدی های نظام رسیدگی اتهامی:

جنبه های منفی یا بدی های این نظام نسبت به خوبی های آن، سنگینی بیشتری داشت، که ذیلا به آن ها اشاره می گردد:

- این نظام بر انتقام شخصی بنا یافته و به جای آن که مدعی العموم به طرح و اقامه دعوی جزائی و تعقیب عدلی متهم اقدام نماید، متضرر مجبور به این کار می شد.
- میان حق فرد و دولت یا دعوی عمومی و خصوصی تفاوتی وجود نداشت.
- از حق عامه دفاع صورت نمی گرفت.
- در صورتی که متضرر حاضر به دعوی نمی شد، و یا این که از آن انصراف می نمود، تعقیب عدلی خاتمه می یافت. چون تعقیب دعوی و ارائه شکایت به عهده خود متضرر بود.
- این امکان نیز وجود داشت که متضرر به خاطر ترس از مجرم، علیه وی شکایتی نکند. که در این صورت جرم ارتکاب یافته از تعقیب عدلی باز می ماند.

بعضی از حقوقدانان در زمینه چنین ابراز نظر می نمایند: چون مرجع و مقام رسمی برای تعقیب جرایم وجود ندارد و اختیار بزهکاران به دست مدعیان خصوصی می باشد. بدون شک این اختیار به مصلحت جامعه نیست.^۱

- آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، ص ۱۷۰.

مبحث دوم: نظام رسیدگی تفتیشی :

موجودیت عیوب در نظام رسیدگی اتهامی، باعث آن گردید تا تدریجاً از اهمیت آن کاسته شده و حقوقدانان در صدد دریافت سیستم دیگری شدند که به نام نظام رسیدگی تفتیشی شناخته شد، این روش به سرعت در جوامع مختلف رواج پیدا کرد و قلمرو وسیعی را در بر گرفت.

از نظر تاریخی این سیستم با پیدایش رژیم های استبدادی در کشورهای مختلفی چون: ایتالیا در زمان حکومت موسولینی، آلمان در زمان حکومت هیتلر و اتحاد جماهیر شوروی سابق؛ به وجود آمد.

این نظام رسیدگی دارای مشخصات، محاسن و معایبی نیز بود که طی گفتارهای بعدی بیان خواهد شد:

گفتار اول: اصول مهم نظام رسیدگی تفتیشی:

مشخصات این سیستم دادرسی اصولاً عکس مشخصاتی است که در سیستم اتهامی مطرح شد و در سطور آتی به مهمترین مشخصات این نظام اشاره می گردد:

- در این نظام رسیدگی؛ تحقیق و تعقیب عدلی قضایای جزایی از اختیار افراد یا متضررین خارج و نهاد دولتی یا مدعی العموم، صلاحیت این امر را دارا هستند تا به نمایندگی از دولت، چنین کاری را انجام دهند. در آغاز، جرایم ارتكابی طوری تقسیم بندی گردید که برخی از جرایم؛ جرایم غیر قابل گذشت، و برخی دیگری جرایم قابل گذشت؛ دانسته شد. که این شیوه تا حال نیز در مورد برخی از جرایم تطبیق و صلاحیت پیگیری آن، موقوف به شکایت متضرر می باشد.
- بر عکس نظام اتهامی، در این نظام، بحث، مناقشه و استدلال، میان متضرر و شاکی یا وکلای آنان، نه؛ بلکه میان مدعی العموم و متهم صورت می گرفت.
- مدعی العموم، از میان اشخاص مسلکی و رسمی انتخاب می گردید.
- صلاحیت تعقیب جرایمی که ضرر آن متوجه دولت و جامعه می بود، به مدعی العموم و جرایمی که متوجه اشخاص بود، به متضرر یا شاکی موکول گردیده بود.

- وظیفه قضاوت از جمله وظایف مقدس دانسته می‌شود. قاضی مورد احترام عامه مردم قرار داشت و جز وظیفه قضاوت، به کار دیگری اشتغال نمی‌ورزید.^۱
 - محاکمه در این نظام به شکل سری انجام می‌شد. افراد حق نداشتند تا در برگزاری محاکمه اشتراک و ناظر صحنه جلسات باشند. از اینرو آنها نمی‌توانستند در برابر تصمیم قضات، به قضاوت نشسته و از درستی یا نادرستی تصمیم آنان، اطمینان حاصل نمایند.
 - محاکمه متهم و سایر اجراءات به شکل کتبی اجرا و تمام دلایل و مباحثات در جلسه ثبت می‌گردید.
 - دلایل قانونی مطرح شده، مورد بحث و مناقشه، قرار می‌گرفت، و از همین رو، برای اقرار من حیث "شاه دلایل" اهمیت و ارزش بزرگی داده می‌شد.
 - برای آن که جرمی را بالای متهم تثبیت و اقرار وی را بگیرند، از اخذ اقرار جبری و بکارگیری و سایل شکنجه نیز دریغ نمی‌شد. بعدها از این موضوع در مورد اثبات برخی از جرایم مانند تکفیر، ارتکاب زنا و غیره که صلاحیت رسیدگی آن مربوط محاکم مذهبی بود، از طرف کلیسا استفاده صورت می‌گرفت. هر شخص که با عقاید مذهبی پاپ یا رهبران مذهبی مسیحی مخالفت می‌داشت. در این محاکم؛ محاکمه به طور دلخواه به پیش رفته و حکم مورد نظر صادر و آن را مورد اجرا قرار می‌دادند.
- در کل میتوان گفت که: بر خلاف سیستم اتهامی، سیستم اجراءات تفتیشی مبتنی بر تشریفات اولیه میباشد. که آن تشریفات عبارت از تحقیقاتی است که محاکمه و حل قضیه به آن وابسته میباشد.
- این تحقیقات را یک قاضی متخصص با به کارگیری وسایل تحریری و محرم انجام میدهد. در این سیستم، علاوه بر اینکه اجراءات بصورت تدافعی نیست، قاضی نیز فقط یک داور نبوده بلکه یک بازیگر اصلی این پروسه میباشد که به منظور دریافت حقایق، از هیچ گونه سعی و تلاش دریغ نمی‌ورزد.
- مشروعیت این مدل اجراءات جزایی مبتنی بر این نظر است که سیستم عدالت جزایی، محدود بر حکمیت میان طرفین یک منازعه نبوده بلکه یکی از مسئولیت های همان جامعه میباشد. بر این اساس، روش تفتیشی معمولاً به شکل نوشته، مخفی و غیر اتهامی بوده، قاضی خود مسئولیت دریافت حقایق را به عهده دارد.

^۱ - همان، آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، ص ۷۱.

گفتار دوم: محاسن و معایب نظام رسیدگی تفتیشی:

نظام رسیدگی تفتیشی همانند نظام اتهامی دارای یک سلسله خوبی ها و بدی های بود که ذیلا به آن ها اشاره خواهد شد:

مطلب اول: محاسن نظام تفتیشی:

مهمترین محاسن نظام تفتیشی در نکات ذیل خلاصه می شد:

- برای حفظ و حراست از حقوق اجتماعی، نماینده دولت برای تعقیب عدلی متهم موجود بود.
- بودن قاضی حرفه بی یکی از خوبی های دیگر این نظام رسیدگی می باشد.
- استفاده از ثبت و تحریر مربوط به تعقیب عدلی و محاکمه در این نظام وجود داشت.
- موجودیت دلایل برای محاکمه شخص، از جمله خوبی های دیگر این نظام می باشد.

مطلب دوم: معایب نظام تفتیشی:

در کنار محاسن یاد شده، معایبی که در این نظام وجود داشت، در نکات ذیل خلاصه می شد:

- نادیده گرفتن حقوق و آزادی های مظنون و متهم، طوری که در این نظام حقوق فرد و آزادی های وی فدای جامعه می شد. چه بسا که با اخذ اقرار جبری و تحت اکراه، شخص بی گناه مورد مجازات قرار گرفته و متهم از تعقیب عدلی معاف دانسته می شد.
- تطبیق انواع مختلف شکنجه، یکی از معایب بزرگ این نظام دانسته می شود.
- مجبور ساختن متهم به ادای سوگند، غرض اثبات ادعا.
- عدم آگاهی متهم از اتهامات وارده.
- نبود وکیل مدافع برای متهم در جریان تحقیق و مواجهه شهود.
- ملزم ساختن شهود به ادای مجدد آنچه شهادت داده اند.

مبحث سوم: نظام رسیدگی مختلط (فرانسوی)

هر کدام از سیستم های فوق (اتهامی و تفتیشی) دارای توانایی ها و ضعف ها میباشد. هیچکدام آنها تضمین کننده یک محاکمه صد در صد عادلانه نمی باشد. سیستم مختلط فقط بهترین های هر کدام از سیستم های فوق را شامل میباشد. یک قسمت آن از سیستم تفتیشی گرفته شده در حالیکه یک قسمت دیگر آن همان تضمینات و خصوصیات سیستم اتهامی میباشد.

نظام مختلط پس از انقلاب فرانسه بوجود آمد و ازینکه دانشمندان فرانسوی در ایجاد آن نقش بارزی داشتند به نظام رسیدگی فرانسوی، شهرت یافت، همچنان این نظام، برای اولین بار نیز در فرانسه و سپس به سایر کشورهای اروپایی تطبیق گردید.

تحت این مبحث روی ویژه گیهای و وجه تسمیه نظام رسیدگی مختلط، طی دو گفتار بعدی بحث خواهد شد:

گفتار اول: ویژگی های نظام رسیدگی مختلط:

سیستم مختلط دارای ویژگی های ذیل میباشد:

- محاکمه توسط قضات صورت می گیرد، اما قضات موظف نمیتوانند رسیدگی به قضیه را قبل از توجیه یک اتهام آغاز کنند. البته وارد کردن اتهام از مسئولیت های مقامات ویژه میباشد.
- پروسه قضاوت به قاضی و اعضای هیئت منصفه سپرده می شود. اجراءات و شرایط اشتراک هر یک در مدیریت عدالت جزایی، وابسته به نظام هر کشور بوده و از یک کشور تا کشور دیگر تفاوت میکند.
- اجراءات به دو مرحله تقسیم میشود: تحقیقات اولیه، که به قضات محکمه صلح (ماجستریت) واگذار میشود و آنها تحقیقات مقدماتی را انجام می دهند و صدور فیصله های ابتدایی را برعهده دارند. استماع نهایی در پیشگاه محکمه صورت میگیرد. اولی ماهیت دوگانه دارد: نه به شکل تدافعی میباشد و نه علنی. مرحله دوم، دو اصل تدافعی بودن و علنی بودن را دارا می باشد.^۱
- تحقیق از طرف مرجع مشخص و به شکل سری و کتبی انجام می شود.
- سری بودن تحقیق به معنای عدم برخورداری مظنون یا متهم از حقوق و آزادی های شان نیست. بلکه آنان می توانند همان مراحل اولیه تحقیق، برای شان وکیل مدافع انتخاب نمایند.

^۱ René Garraud « Traité de l'instruction criminelle », date ? Edition ? In French (France).

- شکنجه ممنوع می باشد.
- متهم از موضوع اتهام آگاه ساخته می شود تا بتواند آزادانه در برابر اتهام وارده از خود دفاع کند.
- اجرای محاکمه به شکل علنی و تدافعی صورت می گیرد.
- حق اعتراض متهم در قبال تصامیمی که در مورد وی، از جانب شارنوالی و محاکم، اتخاذ می گردد، تا حدی پیش بینی و رعایت شده است.

گفتار دوم: وجه تسمیه :

البته مختلط نامیدن این سیستم بدین جهت بوده است که این سیستم - چنانچه گفته شد- از هر دو سیستم قبلی تشکیل و خوبی ها آن هر دو درین جا جمع شده است، طوریکه:

۱- در مرحله تحقیقات ابتدائی، این سیستم، تابع سیستم تفتیشی است، چون تحقیق به گونه سری، غیرتدافعی و کتبی صورت می گیرد.

۲- مرحله بعدی رسیدگی، تابع سیستم اتهامی است. یعنی در نظام مختلط در مرحله محاکماتی، همان مشخصات سیستم اتهامی عملی می گردد، مانند: حق انتخاب وکیل از سوی متهم، علنی بودن، تدافعی بودن، و شفاهی بودن محاکمه.

۳- در سیستم تفتیشی، متهم نسبت به قرار توقیف خویش، حق اعتراض نداشته و چنین تصمیمات قطعی و لازم الاجرا بود. اما در نظام دادرسی مختلط پس از صدور قرار، متهم حق اعتراض به آن را دارد و قانونگذار در قانون اصول محاکمات جزائی باید این حق را تضمین نماید.^۱

کار گروهی:

اشتراک کننده گان محترم به گروه ها تقسیم شده و اجراءات یاد شده در هر سه سیستم، را با قانون اجراءات جزائی موجوده کشور مقایسه نموده، توافق ها، تفاوت ها و ملاحظات شانرا نشانی و با سایر گروه ها شریک بسازند.

^۱ - همان، اصول محاکمات جزائی افغانستان، ص ۳۷-۳۸.

مبحث چهارم: نظام رسیدگی اسلامی و برخی از ویژه گیهای آن:

در بحث های حقوقی و بیان نظام های رسیدگی جزایی، غالباً از همین سه نظام بحث و یاد آوری شده و می شود که در گذشته ها در کشور های غربی و اروپایی عملی گردیده و اخیراً بعضی از کشور های اسلامی نیز با متأثر شدن از دانش و روش کشور های یاد شده، با آوردن برخی تعدیلات و اضافات در این سیستم ها، نمونه های مشابه آن هارا تطبیق نموده اند، اما نظام قضائی اسلامی بالخصوص در بخش رسیدگی جزایی، قواعد جامع، مستقل و عادلانه خود را دارد، و ایجاب می نماید، هنگام بحث از نظام های رسیدگی جزایی، اصول و کلیات نظام رسیدگی اسلامی نیز بحث و بیان گردد، بالخصوص در کشور عزیز ما افغانستان و سایر کشور های اسلامی، که نظام اسلامی جزء از زندگی عمومی مردم بوده، خواهی نخواهی اصول حکومت داری و روال زندگی عمومی مردم بدان وابسته است.

مسلم است که در این جزوه درسی، برای بحث و بیان کلیه جزئیات و اصول نظام رسیدگی اسلامی، مجال نیست، لذا طی سطور بعدی، تلاش خواهیم نمود تا برخی از شاخص های عمده و بارز این نظام را به معرفی بگیریم.

همچنان، در آغاز لازم به تذکر است که نظام رسیدگی اسلامی، ممکن است در مواردی با برخی از اصول و جزئیات سیستم های یاد شده، شباهت ها و یا مطابقتی داشته باشد، اما خواننده عزیز، بهتر میدانند که وجود تشابه و یا توافق درینجا، به معنای اقتباس و متأثر شدن از نظام های یاد شده نیست، بلکه قواعد و اصول کلی قضایی اسلامی، از اصالت، عدالت و استقلالیت کاملی برخوردار بوده، از حیث مبنی و منبع بر وحی الهی و سایر نصوص معتبر شرعی استوار می باشد.

گفتار اول: حمایت مصالح فردی و عمومی:

در نظام قضایی اسلامی حقوق فردی و عمومی هر دو مورد حمایت بوده است، از همین رو در فقه اسلامی، حقوق به انواع معین حقوق الله، حقوق العبد، و حقوق مشترک، تقسیم گردیده است، البته حقوق الله و حقوق مشترک، که منافع و مصالح عمومی بیشتر بدان تعلق گرفته و تحت چتر آن، بیشتر حمایت می گردد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است که در تعیین مجازات برای ناقضین و مرتکبین آن، قاضی حق ندارد تا در قبال آن، اجتهادات و مصلحت بینی های شخصی خود را بکار بیندازد، و یا آن را عفو نماید یا مجازات آن را به تعلیق بیاندازد.

اما در آن عده جرایمی که بیشتر به حقوق افراد تعلق می گیرد - هرچند در ذات خود به مصلحت عمومی و جامعه نیز صدمه میرساند- اما نحوه مجازات و رسیدگی به آن، قواعد به خصوص خود را داشته و گاهی اگر متضرر بخواهد، میتواند از آن تنازل یا چشم پوشی نماید.^۱

گفتار دوم: یک مرحله بی بودن رسیدگی:

در عصر حاضر نظام های قضایی معمولاً به سه مرحله رسیدگی (ابتدائی، استثناف و تمیز) درجه بندی گردیده و شیوه محاکمه به همین منوال صورت می گیرد، اما رسیدگی قضائی در نظام اسلامی در تمامی قضایا - به شمول قضایای جزائی - در یک مرحله بوده است، چنانچه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم، در برخی مناطق دور دست، یک صحابی را به صفت قاضی آن منطقه ارسال و وی تمامی قضایای آن منطقه را رسیدگی می نمود، مانند معاذ بن جبل، ابوموسی اشعری، عتاب بن اسید رضی الله عنهم و دیگران، که همین منوال در زمان خلفای راشدین، و عصر تابعین، نیز ادامه یافته است.^۲ بناء، تعیین قاضی واحد بدین معنی که احکام آنان نافذ بوده و نیاز به رسیدگی یا ارزیابی مجدد از جانب قضات دیگر نداشته است.

اما ناگفته نباید گذاشت که عملی شدن و پذیرفته شدن روند یک مرحله بودن محاکم، در نظام قضائی اسلامی؛ به این معنی نیست که احکام قضات به طور مطلق قابل ارزیابی و تایید، یا تجدید نظر و فسخ نبوده است، بلکه دلائل و نصوص شرعی نشان میدهد که گاهی هم، فیصله های برخی از قضات، توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و یا هم خلفای راشدین، رضوان الله علیهم اجمعین و یا هم قضات دیگری، تایید و یا هم نقض شده است، که پرداختن به تفصیل و جزئیات این موضوع درینجا گنجایش ندارد.^۳

البته آنچه که درینجا قابل ذکر دانسته می شود، این است که تالیفات قضایی اسلامی، در رابطه به موضوع از تعدد درجات محاکم، نه بلکه از جواز یا عدم جواز نقض حکم یک قاضی توسط قاضی دیگر، یا اجتهاد توسط اجتهاد

۱ - العوده، عبد القادر، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۱، ص ۸۸-۱۰۰. نسخه PDF

۲ - واصل، نصر فرید، السلطة القضائية و نظام القضاء فی الاسلام، ص ۵۶ المکتبة التوفیقیة،

۳ - برای تایید این مطلب میتوان از تایید فیصله علی رضی الله عنه توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در قضیه افتادن چهار نفر به یک چاه در یمن، و کشاندن یک دیگر در چاه مذکور، و همچنان از نقض فیصله عمر رضی الله عنه توسط علی رضی الله، به طور نمونه یاد آوری کرد.

برای تفصیل بیشتر مراجعه شود به: الشیبانی، منیر بن نایف، تعدد درجات التقاضی فی الفقه و القانون، ص ۵۴، اکادیمیة نایف العربیة للعلوم الامنیة، الرياض ۲۰۰۲ م؛ العودی، محمد ناهض عبد الرزاق، التأسیل الفقهي للطعن فی الحکم القضائي فی الفقه المالکي، مقال نشر فی مجلة جیل الدراسات

المقارنة العدد ۷ الصفحة ۱۳۵ <https://jilrc.com>

دیگر، بحث شده است که با صرف نظر از اختلافات وسیع روی این نقطه، میتوان درین جا از دو رأی مشهور و قوی درینجا یاد آوری نمود:

اول: برخی از فقهاء شریعت اسلامی برین باورند که :

الف: هرگاه مبنای حکم قاضی دلیلی قاطعی از کتاب، سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم ، اجماع یا قیاس جلی بوده باشد، پس در آن صورت حکم وی نافذ بوده و اعتراض بالای آن جواز ندارد.

ب: در صورتیکه مخالف یکی از دلایل فوق الذکر باشد، پس نقض آن جواز دارد.

ج: در صورتیکه حکم قاضی برای حکم خویش، دلیلی را از مراجع یاد شده، دریافت نکرده و حکم خویش را بر مبنای اجتهاد خویش صادر نموده باشد، بازهم حکم وی قابل نقض نیست، زیرا قاعده جامع این است که اجتهاد با اجتهاد نقض نمی شود.

دوم: برخی از فقهاء نیز برین باورند که در صورتیکه حکم قاضی اساس شرعی و درست نداشته و یا سببی از اسباب نقض در آن متوفر باشد، در هر صورت قابل نقض خواهد بود، چه توسط خود قاضی صادر کننده حکم، نقض گردد و یا هم توسط قاضی دیگری و بعد از غور و بررسی مجدد، مانند قضاوت توسط قاضی که رسماً تعیین نشده است، قضاوت در موضوع خارج از اختصاص قاضی، قضاوت بدون مدارک، قضاوت بر مبنای شهادت نادرست..
و غیره.^۱

گفتار سوم : وحدت قاضی:

در نظام قضایی اسلامی، اصل بر این است که عموماً قضایا توسط یک قاضی مورد رسیدگی قرار گیرد. زیرا قاضی مذکور صلاحیت رسیدگی به تمامی قضایا را داشته و ضرورت نیست تا قضیه توسط دسته یا گروهی از قضات رسیدگی شود، درین راستا، اشتراط اوصاف و خصوصیات علمی، مسلکی و صحی تقریباً سخت گیرانه در تعیین قاضی، تضمین کننده این امر می باشد تا قاضی بتواند از عهده رسیدگی به مسایل و قضایای مختلف، به خوبی بدر آید.

^۱ - الشیبانی ، منیر بن نایف، تعدد درجات التقاضی فی الفقه و القانون، ص ۶۰- ۶۱، اکادیمیة نایف العربیة للعلوم الامنیة، الرياض ۲۰۰۲ م؛ العودی، محمد ناهض عبد الرزاق، التأسیل الفقهي للتعن في الحكم القضائي في الفقه المالكي، مقال نشر في مجلة جيل الدراسات المقارنة العدد ۷ الصفحة ۱۳۵

افزون بر این اصل، رسیدگی به قضایا، توسط بیش از یک نفر، نیز در شریعت اسلامی ممنوع نیست، زیرا روایات نقل شده، بیانگر آن است که خلیفه دوم مسلمانان حضرت عمر رضی الله، در اثنای خلافتش، رسیدگی به قضایا را به بیش از یک نفر موکول و محول ساخته است، حتی در برخی موارد، خود نیز هنگام قضاوت، از بزرگان صحابه چون علی و ابی بن کعب، رضی الله عنهم، کمک و مشوره خواسته است.^۱

گفتار چهارم: اصل برائت ذمه:

اصل برائت ذمه؛ یکی از اصول کلی و عمده نظام قضایی اسلامی بوده، نصوص شرعی متعددی روی این اصل که در جهان امروزی نیز یک اصل قبول شده و متفق علیه دانسته می شود، تاکید می ورزد. چنانچه الله متعال می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ.^۲

یعنی، ای کسانی که ایمان آورده اید اگر فاسقی برایتان خبری آورد نیک و ارسی کنید مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده اید پشیمان شوید.

همچنان حکم صریح پیامبر صلی الله علیه و سلم که: ”البینه علی من ادعی والیمین علی أنکر“^۳، بینه بالای مدعی و قسم بالای منکر است، و همچنان مفاد روایت دیگر از آن حضرت صلی الله علیه و سلم که می فرماید: ”لو يعطى الناس بدعواهم لأدعى ناس دماء رجال وأموالهم. ولكن اليمين على المدعى عليه“^۴ (یعنی، اگر مردم به مجرد ادعای شان، چیزی برای شان، داده شود، کسانی شاید بالای خون ها و مال های مردم، دعوی (ناحق) نمایند، اما قسم بالای مدعی علیه است) بیانگر قاعده مهمی از قواعد نظام رسیدگی قضائی اسلامی است، زیرا مجرد ادعا و یا دعوی بالای شخص قابل قبول نمیباشد، بلکه برای شنیدن یک ادعا وجود دلایل الزام، ضروری و حتمی است.

گفتار پنجم: اصل مشروعیت جرم و جزا:

مشروع بودن جرم و جزا، نیز یکی از اصول کلی و عمده نظام رسیدگی قضائی اسلامی دانسته می شود، و هیچ شخصی بدون وجود دلیل ثابت شرعی مبنی بر غیر مشروع بودن عمل، و مشروع بودن مجازات وی، قابل محاکمه یا مجازات نیست.

^۱ - واصل، نصر فرید، السلطة القضائية و نظام القضاء فى الاسلام، ص ۶۰ - ۶۳ المكتبة التوفيقية،

^۲ - سورة الحجرات ۶

^۳ - الالبانى، ناصرالدين، ارواء الغليل فى تخريج احاديث منار السبيل، ج ۸ ص ۲۷۹، <https://al-maktaba.org/book/۲۲۵۹۲/۳۶۱۲>

^۴ - مسلم بشرح النووى، ج ۱۱ ص ۳۶۷، كتاب الأفضية، باب اليمين على المدعى عليه، حديث شماره ۱۷۱۱، <https://islamweb.net/ar/library>

هرچند برای این اصل، دلیل خاص و صریحی در شریعت اسلامی وجود ندارد، اما استنتاج آن از نصوص ثابت و قطعی دیگر، امری ساده و آسانی بوده و نصوص متعددی، وجود دلیل قبلی در باره جرم و مجازات مرتکب آن را تایید می نماید، چنانچه الله متعال می فرماید:

وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا {الأسراء ۱۵} ، ترجمه: و ما تا پیامبری نفرستیم، به عذاب نمی پردازیم.

یعنی ارسال پیامبران، غرض تبلیغ احکام الهی و اتمام حجت بالای مردم بوده و بعد از آن در صورت سرپیچی از اوامر الهی، مستحق عذاب شناخته می شدند.

همچنان در آیت دیگری الله متعال ارشاد می فرماید که: وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ، {النساء ۲۲} و با زنانی که پدرانتان قبلاً با آنها ازدواج نموده اند، ازدواج نکنید مگر آنچه که قبلاً واقع شده باشد.

بدین معنی که آنچه که قبل از صدور این حکم و ممنوعیت ازدواج با آن ها صورت گرفته است، قابل مؤاخذه نبوده و معاف می باشد.

گفتار ششم: عدم جواز تعلیق حکم :

در نظام قضائی اسلامی، بعد از ثبوت جرم و صدور حکم از جانب قاضی، مجازات شرعی تطبیق شده، و برای تعلیق یا عدم تطبیق حکم، مجالی وجود ندارد، زیرا تعلیق حکم، ضیاع حق مجنی علیه و نوعی از تشویق جانی برای ادامه سلوک جنائی وی دانسته می شود.

البته شهرت و ذکر قصه سرقت زنی از بنی مخزوم در کتب حدیث و فقه اسلامی و همچنان صدور حکم از جانب پیامبر صلی الله علیه و سلم برای مجازات وی و شفاعت کردن اسامه بن زید رضی الله عنه، و قهر شدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم، و استفهام انکاری وی با این لهجه صریح و قهرناک که (أتشفع فی حد من حدود الله؟؟..... آیا در حدی از حدود الله متعال، شفاعت می کنی؟ دلیل خوبی برای صدق این مدعا است، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم درینجا تصمیم به تطبیق فیصله اش نموده و تلاش برای منع تطبیق آن را با قاطعیت رد نمود.^۱

^۱ - الحریری، ابراهیم محمد، القواعد و الضوابط الفقهية لنظام القضاء فی الاسلام، ص ۷۳، الطبعة الاولى، ۱۹۹۹، دار عمار، الأردن؛

<http://www.almaaref.org/maarefdetails.php?id=۱۹۲۶>

بناء، آنچه که در نظام های قضایی معاصر، تحت عنوان تعلیق تطبیق حکم، یا نگهداشتن مجرم در یک مرحله آزمایشی غرض مراقبت از بهتر شدن و سلوک رفتار وی، طرح و عملی می گردد، در نظام قضائی اسلامی، جایگاهی نداشته و شواهدی هم برای تطبیق آن در تاریخ نظام قضائی اسلامی دیده نمی شود.^۱

گفتار هفتم: اقامه دعاوی جزائی توسط اشخاص و جهات متعدد:

در نظام قضائی اسلامی، حق اقامه دعاوی جزایی یا عمومی، منحصر به جهت معین نیست، بلکه اشخاص و جهات متعدد می توانند، برای اقامه دعاوی جزائی اقدام نمایند، و یا در بعضی حالات خود بدان رسیدگی نیز نمایند.

منابع فقه اسلامی نشان میدهد که اقامه دعاوی جزائی یا آنچه که به حق عامه تعلق می گرفت، توسط سه جهت صورت گیرد:

الف: افراد عادی:

با استناد به آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم، همه افراد امت مسلمه مکلف اند تا وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را به طور رضاکارانه و محض رضایت الله متعال، انجام دهند، که نصوص شرعی متعددی برین نکته تأکید دارد، بناء در نظام قضائی اسلامی اشخاص عادی که حتی در قضیه دخالت نداشته باشند، میتوانند در دعاوی که به حق عام تعلق داشته باشد، به صفت مدعی، شاهد و حتی بدون دخیل بودن در قضیه، اقامه دعوی نمایند، اما درین راستا، شخص مذکور باید دو نکته را در نظر داشته باشد:

- ۱- در حالاتی که ضرر جرم به حق عمومی تعلق نداشته باشد، یا اینکه شخص مجرم به طور آشکار و بی باکانه جرم را مرتکب نگردیده باشد، بالخصوص در جرایم منحصر به شخص مجرم، ستر و کتمان کردن جرم بهتر از افشا کردن و تحریک دعوی بر ضد مجرم است.
- ۲- نظر به خطورت جرم، و وضعیت شخص مجرم، میتواند از درجات معین انکار استفاده نموده، آنچه را که با موعظه و نصیحت قابل اصلاح میدانند، به مقامات قضائی رسانده نشود.

^۱ - تا آن جائیکه نویسنده تحقیق و جستجو نموده است.

ب - محتسب:

وظیفه احتساب همواره یکی از وظایف عمده در ساختار جامعه و نظام اسلامی بوده و شخص محتسب در راستای تأمین نظم و رعایت آداب عمومی، نقش بسزائی داشته است، امام ماوردی رحمه الله " احتساب " را چنین تعریف نموده است که : مراد از احتساب امر به معروف هنگام ترک شدن آن، و نهی از منکر هنگام ظاهر شدن منکر است.^۱ برخی از دانشمندان دیگر نیز در تعریف " محتسب " چنین گفته اند: محتسب هر آن کسی است که توسط خلیفه مسلمانان برای امر به معروف و نهی از منکر تعیین و صلاحیت وی در آن مواردی می باشد که از اختصاص والی یا قاضی دولت نباشد.

اقامه دعاوی عمومی در پیشگاه محاکم، و همچنان رسیدگی به برخی از تخطی های کم اهمیتی که نیاز به طرح آن در نزد قضا نباشد، جزء از وظایف رسمی محتسب، در جامعه و حکومتداری اسلامی شناخته می شود.

ج - متولی دیوان مظالم:

دیوان مظالم جهت ویا نهاد دیگری از نهاد های عدلی و قضائی در حکومتداری اسلامی شناخته شده است، هنگامیکه برخی از والیان، و اعضای بلند پایه دولت، بر مردم ظلم و ستم را روا داشتند، و آنها حتی به محاکم و نظام قضائی اسلامی تابع نبوده و از محاکمه و مجازات سر پیچی می نمودند، برای رسیدگی به جرایم آنان دیوان مظالم ایجاد گردید.

منصب دیوان مظالم، منصب مرکب از سلطه اجرایی و قضایی بود، طوریکه متولی یا شخص مکلف به رسیدگی " مظالم " می توانست، جرایم اشخاص بلند پایه دولت ، زور مندان، یا اشخاص عادی را پیگیری و در عین حال، در حق آنان فیصله نیز نماید ویا درین راستا از قاضی مختص کمک بگیرد.^۲

بناء، دیده می شود که در نظام قضائی اسلامی، اشخاص فوق الذکر میتوانند در رابطه به حق عمومی یا خصوصی جامعه، بدون دخیل بودن ویا متضرر شدن در قضیه و گاهی هم بدون شکایت مجنی علیه یا شاکی، در مواردی

^۱ - الماوردی، الاحکام السلطانية و الولايات الدينية، ط: الاولى ۱۹۶۰ الحلبي، مصر.

^۲ - زيدان، عبدالکریم، نظام القضاء في الاسلام، ص ۲۹۹-۳۴۳، طبعه ثانیة ۱۴۰۹هـ، مؤسسة الرسالة، عمان، الاردن، بوساق، محمد المدني، دور النيابة العامة في الفقه الاسلامي، ص ۲۸-۳۱، جامعة نايف للعلوم الأمنية. ۱۴۲۶ هـ

که شخص از اشخاص مرتکب فعلی از افعالی می گردد که شرعا حرام و قابل پیگیری قضائی باشد، اقامه دعوی نمایند. که این ویژه گی منحصر به نظام قضائی اسلامی بوده و در هیچ نظامی دیگر دیده نمی شود.

مبحث پنجم: سیستم اجراءات جزایی در افغانستان:

سیستم اجراءات جزایی در افغانستان تحت تأثیر سیستم مختلط قرار گرفته است. تحت این سیستم، تحقیقات ابتدائی از محاکمه و مرحله حکم جدا شده است. هر یک از این مراحل وابسته به قواعد و مقررات ویژه میباشد که توسط مقامات ویژه تطبیق میگردد. قانون اجراءات جزایی کشور، عدالت جزایی را مبتنی بر این سیستم تنظیم میکند. فلهدا، مطابق به ماده یکصد و سی و چهارم قانون اساسی، کشف جرایم، توسط پلیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوی علیه متهم در محکمه از طرف خارنوالی، مطابق به احکام قانون صورت می گیرد، تعقیب عدلی متهم یکی از وظایف لوی خارنوالی میباشد که متهمین را دستگیر نموده و توسط خارنوالان ویژه و پولیس عدلی استنطاق میگردند. در مرحله تحقیقات ابتدائی اتهامات بصورت کتبی، غیر علنی و سری بوده و قابل استیناف خواهی نمیشد، بدین معنی که تمام ویژگی های سیستم تفتیشی باقی میماند. با این حال، کنترل قضایی همواره از پولیس و خارنوال صورت میگیرد تا از رعایت اصل برائت الذمه و حقوق متهم اطمینان حاصل گردد^۱.
استماع اقوال متهم، بصورت علنی صورت میگیرد و متهم میتواند از مساعدت یک و یا چند وکیل مدافع مستفید گردد. حضور دیگر شهروندان در جریان محاکمه مجاز میباشد و نمایندگان رسانه های جمعی نیز میتوانند حضور داشته باشند تا با گزارشات خود از جلسات محکمه دیگران را واقف سازند^۲.

مبحث ششم: اصول و راهنمای اجراءات جزائی

بدور از بحث روی نظام های مختلف قضایی، و بدون در نظر داشت مراحل مختلف محاکمه یک متهم، محاکمه عادلانه و رعایت حقوق متهم از یک طرف و تطبیق قانون غرض مبارزه با جرم و مجازات مجرم، از سوی دیگر،

^۱ - حسین غلامی "مبانی حقوق و عدالت جزایی افغانستان" صفحه ۱۶۲.

^۲ - آشوری، اصول اجراءات جزایی، جلد ۱، صفحه ۳۵.

نیاز به رعایت قواعد و اصولی دارد که در مجموع از تحقق یک محاکمه عادلانه اطمینان میدهد، که درینجا با صرف نظر از جزئیات و تفصیلات آن، اشاره کوتاهی به مهمترین اصول و رهنمائی های یاد شده خواهیم داشت:

گفتار اول: اصل برائت ذمه:

این اصل، اساس هر نوع اجراءات جزائی بشمار میرود. این اصل از ابتداء تا پایان اجراءات مدنظر گرفته می شود و مقصد آن تنها حفظ برائت نه، بلکه جستجوی حقایق نیز می باشد. اصل برائت الذمه به این معنی نیست که متهم بیگناه است و هیچ مقصر شمرده نخواهد شد، بلکه این یک حالت مؤقتی است که شرایط ایجاب می کند تا متهم از آن مستفید گردد.

این حالت الی رسیدن به یک نتیجه یقینی ادامه داشته و متهم از آن مستفید می گردد. یعنی گاهی اگر شخصی در محکمه ابتدائیه، مجرم شناخته شود، اما وی استثنافی خواهی نماید، باز هم این شخص الی حکم قطعی این محکمه بی گناه شناخته می شود.

ماده ۲۵ قانون اساسی در رابطه به ترسیخ جایگاه این اصل در اجراءات جزائی و اهمیت آن چنین تصریح میدارد که: «برائت الذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود».

همچنان ماده پنجم قانون اجراءات جزائی نیز درین باره تأکید میدارد که :

«(۱) برائت ذمه حالت اصلی است، متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.

(۲) خارنوال و قاضی نمی توانند دلایل مبهم در قضیه را به حیث دلایل اثبات علیه مظنون و متهم توجیه و یا ابهام در قانون را به ضرر آنها تعبیر نمایند».

قابل ذکر است که مقتضای این اصل (برائت الذمه) این است که نکات ذیل باید در جریان تحقیق و محاکمه متهم، رعایت و تضمین گردد:

- هر گونه اقدامات خشونت آمیز از جمله شکنجه و رفتار بی رحمانه به منظور گرفتن اقرار متهم ممنوع می باشد
- متهم نباید قبل از حکم قطعی محکمه، گناهکار پنداشته شود.
- مسؤولیت اثبات جرم متهم، وظیفه خارنوال است و مظنون مکلف نیست بی گناهی خود را ثابت کند.

- مظنون یا متهم می‌تواند در برابر تمام مدارک و شواهد که علیه وی جمع آوری شده است اعتراض کند.^۱

گفتار دوم: اصل احترام به حق دفاع:

حق دفاع برای متهم فرصت استدلال به نفع خودش را مهیا و شامل سه حق ذیل می‌باشد:

- داشتن وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیه.

- داشتن وکیل مدافع در مراحل تحقیق و محاکمه.

- رایبه دلائل و دفاع تا آخرین مراحل رسیدگی موضوعی محکمه.

بدیهی است که احترام به حق دفاع منتج به تحقق یک محاکمه عادلانه و متوازن گردیده خارنوال و متهم هر دو از فرصت‌ها و موقف مساوی باهم مستفید می‌گردند.

ماده ۳۱ قانون اساسی کشور، تضمین کننده حق دفاع متهم بوده و در زمینه تصریح میدارد که: «هر شخص می‌تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند. متهم حق دارد به مجرد گرفتاری از اتهام منسوبه اطلاع یابد و در داخل میعادى که قانون تعیین می‌کند در محکمه حاضر گردد. دولت در قضایای جنایی برای متهم بی‌بضاعت وکیل مدافع تعیین می‌نماید. محرمت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن از هر نوع تعرض مصئون می‌باشد، وظایف و صلاحیت‌های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می‌گردد»

قانون اجراءات جزایی کشور نیز طی ماده‌های ۶، ۷، ۸، ۱۱ و ۱۵۲ روی تحقق و رعایت این اصل تأکید و در رابطه به حق داشتن وکیل مدافع، مساعدت حقوقی و ترجمان برای متهم، احکام و جزئیاتی را بیان داشته است.

گفتار سوم: اصل مساوات در برابر قانون و پیشگاه محکمه:

مساوات در برابر قانون و پیشگاه محکمه به این معنی که تمامی کسانی که متهم یا مدعی قرار می‌گیرند، در قبال آنچه که قانون برای رسیدگی به جرایم پیش بینی نموده است، چه در هنگام تحقیق در پیشگاه پولیس و خارنوالی، و چه در مرحله محاکماتی و پیشگاه محکمه، از حقوق مساوی برخوردار بوده، و هیچ گونه تفاوتی در تعامل با آن‌ها صورت نگیرد.

^۱ - غلامی، حسین، مبانی حقوق و عدالت جزائی افغانستان، ناشر سفارت کبرای جمهوری فدرالی المان در کابل، ۱۳۸۵. ص ۱۵۶.

استماع اقوال و دلائل دوطرف، دادن فرصت کافی برای ارایه دفاع، عدم استفاده از زور و تهدید حین اخذ اقوال و یا استماع شهادت، طرز برخورد و تعامل چون لحن صدا، شدت و خفت صوت، ترش روی و یا ملاطفت و... سائر مواردی که در هنگام رسیدگی قضایی مطرح می گردد، از جمله موضوعاتی است که رعایت یکسان و مشابه آن با همه افراد دخیل در قضیه؛ امر لازمی و حتمی بوده، و قبل از اینکه مسؤولیت قانونی اشخاص و ارگان های ذیربط شناخته شود، اصلی است که نظام قضائی اسلامی بیش از همه و پیش از همه، روی آن تأکید داشته و آن را از اساسات یک محاکمه عادلانه میدانند.

گفتار چهارم: اصل قانونی بودن :

این اصل به این معنی است که تمام مراحل اجراءات جزائی از تحقیقات ابتدائی گرفته الی حکم قطعی باید مبتنی بر قانون باشد. هر نوع اقدام غیرقانونی حتی اگر منتج به دریافت یا استقرار حقیقت هم شود، فاقد ارزش و اعتبار بوده و تمام مسایل و اجراءات ناشی از آن، نیز باطل تلقی میگردد. این موضوع در بند (۲) ماده ۲۷ قانون اساسی ذکر شده است: «هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون. هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد».

این اصل در ماده ۲۸۹ قانون اجراءات جزائی جدید نیز تصریح و تأکید گردیده است که "عدم رعایت احکام قانون در یکی از موارد اجراءات اساسی، موجب بطلان آن می گردد." بند دوم همین ماده نیز، اجراءات اساسی یاد شده را به مواردی چون: تشکیل محکمه، صلاحیت موضوعی یا حوزه وی آن، گرفتاری، تلاشی، تحقیق، معاینات توسط اهل خبره و حق تعیین وکیل مدافع، تفسیر می نماید.

گفتار پنجم: اصل تعدد مراحل رسیدگی :

این اصل در ماده ۲۴۶ قانون اجراءات جزائی تصریح شده است: متهم یا نماینده قانونی وی و خازنوال می توانند در صورت عدم قناعت به حکم محکمه ابتدائیه در تمام جرایم در حدود احکام این قانون، اعتراض خود را مستقیماً یا از طریق محکمه حاکمه به محکمه استیناف مربوط تقدیم نمایند.

ازینکه محاکم ابتدائیه و استئناف هر دو محاکم موضوع نامیده شده و ماهیت موضوعی هر قضیه را مورد غور و بررسی قرار میدهند، لذا عدم موافقه بر بررسی استئناف نیز قابل اعتراض بوده و شخص میتواند غرض بازنگری قضیه به محکمه تمیز رو آورد.

بر اساس ماده ۲۷۷ قانون اجراءات جزائی کشور، «(۱) ستره محکمه احکام صادره محاکم استیناف را در قضایای جنایت یا جنحه به اساس فرجام خواهی خارنوال، محکوم علیه، مدعی حق العبد یا مسئول حق العبد در احوال آتی تحت غور و مذاقه قرار می دهد.

۱- در حالیکه حکم مورد فرجام خواهی در مخالفت با قانون یا خطا در تطبیق یا تأویل آن بنا یافته باشد.

۲- در حالیکه در حکم بطلان رخ داده باشد.

۳- در حالیکه در اجراءات چنان بطلان به عمل آمده باشد که بر حکم مؤثر باشد.

۴- در حالیکه حکم به مرگ شخص صادر شده باشد، خارنوال درین حالت بحکم قانون موضوع را به ستره محکمه تقدیم می دارد، هر چند حکم تابع یکی از احوال مندرج اجزای (۱، ۲ و ۳) این فقره قرار نگرفته باشد.

(۲) مدعی حق العبد و مسئول حق العبد، می توانند، صرف در موضوعات حق العبدی مربوط به خود در قضیه جزائی به پیشگاه ستره محکمه اعتراض نمایند.

(۳) ستره محکمه این حالت را که اجراءات مربوط در مطابقت با قوانین صورت گرفته است، بحیث حالت اصلی قرار می دهد».

گفتار ششم:- اصل سلسله مراتب (یا تقسیم وظایف):

هدف این اصل اینست که مسئولیت تمام مراحل چون تحقیق، تعقیب عدلی، محاکمه و مراکز اصلاح و تربیت را نباید یک مرجع و یا یک دفتر داشته باشد بلکه مراجع مختلف مربوطه مسئولیت جوانب مختلف قضیه را به دوش گیرند.

این روش را می توان با این واقعیت ها توجیه کنیم که هر مرجع فعالیت های را انجام می دهد که در آن تخصص دارد و به آسانی می توان فعالیت ها و اجراءات آنها را نظارت و بررسی کرد. بگونه مثال، واگذاری کشف جرم به پولیس کار خارنوال را آسان می سازد تا فعالیت های آنها را نظارت و بررسی کنند. و به همین منوال نتایج تحقیق خارنوال توسط قاضی محکمه ابتدائیه نظارت و بررسی می گردد، در نهایت رسیدگی قضائی نیز طبق مراحل تعیین شده، توسط محکمه فوقانی، ارزیابی و بررسی می گردد، مزیت دیگر این است که: این اصل مانع انحصار قدرت عدالت جزائی در دست یک ارگان یا یک نهاد گردیده و در نتیجه مانع استبداد ارگان های قضایی یا پولیس میشود. در واقع

می توان تعادل میان حوزه های قانون گذاری، اجرایی و قضایی را در اثر جدا کردن عدالت جزائی و تقسیم قدرت بوجود آورد.^۱

مبحث هفتم : ساحه تطبیق قانون اجراء جزائی :

در رابطه به هر قانون، معمولاً چهار نکته اساسی قابل طرح و بحث است که عبارتست از موضوع قانون، ساحه تطبیق آن از حیث مکان، زمان و اشخاص، ، که در رابطه به قانون اجراء جزائی کشور، نیز ممکن است نکات متذکره قابل بحث و بیان باشد و ازینکه موضوع این قانون آن طوریکه از نامش پیداست، در باره چگونگی و نحوه رسیدگی به قضایای جزایی بوده و قبلاً نیز روی آن بحث گردید، لذا حاجت به وضاحت بیشتر ندارد، اما در رابطه به ساحه تطبیق از حیث زمان، مکان و اشخاص، قابل یاد آوری میدانیم که قانون اجراء جزائی، در رابطه به ساحه تطبیق از حیث زمان، مکان و اشخاص، ذکر و اشاره ندارد، بلکه در ماده سوم آن به گونه کلی گفته شده است که " احکام این قانون بالای تمام قضایای جزائی تطبیق می گردد، مگر اینکه در قانون خاص طور دیگری تصریح گردیده باشد".

بناء، از آن جا که قوانین شکلی جزائی به خاطر تطبیق احکام قوانین متنی جزائی ترتیب می گردد. هر عملی را که قانون متنی جزائی جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین نموده است، و همچنان در هر زمان و مکان و بالای هر شخصی که کود جزا قابلیت تطبیق را داشته باشد، قانون اجراء جزائی نیز قابل تطبیق بوده و خواهد بود.

۱ - همان، مبانی حقوق و عدالت جزائی افغانستان، صفحه ۱۵۸.

نتیجه گیری

در خاتمه این فصل خواننده گان محترم به نتایج ذیل دست خواهند یافت:

- نظام های رسیدگی جزائی ، شامل سیستم اتهامی، تفتیشی و مختلط بوده و در عصر حاضر نظام مختلط که از دو نظام دیگر گرفته شده است، بیشتر مورد کاربرد قرار دارد، درین عرصه، نظام رسیدگی قضائی اسلامی دارای ویژه گیها، خوبی ها و اصول مستقل، ثابت و عادلانه است که به هیچ یک از سیستم های یاد شده، ربطی ندارد.
- در سیستم اتهامی قضیه با یک اتهام آغاز و بر اساس آن، مجنی علیه و مجرم در محکمه، در مقابل همدیگر قرار می گیرند. اجراءات جزایی این سیستم بصورت شفاهی، علنی و به شکل تدافعی بوده، و به نظر میرسد که حمایت از حقوق متهم، هدف عمده و اساسی این سیستم باشد.
- نبود قضات مسلکی در رسیدگی قضیه، شفاهی بودن، اجراءات رسیدگی، نقش مؤثر جریان جلسه در قناعت گیری قضات، علنی بودن محاکمه، وجود هیئت منصفه در رسیدگی قضیه و باز بودن دست قضات در نحوه استتاج و یا قناعت گیری از جریان جلسه؛ از جمله نکات عمده و بارز این سیستم شناخته می شد.
- وابسته بودن رسیدگی قضائی به شکایت متضرر، رویارویی مجنی علیه با مجرم، قبول یا عدم قبولی اتهام از جانب متهم، نیز از نقاط عمده روند محاکمه در این سیستم بود.
- محاکمه علنی، آزادی کامل متضرر و متهم در ارایه دعوی و دفاعیه، ساده بودن اجراءات آن از خوبی های این سیستم و در مقابل، استوار بودن این سیستم بر انتقام جویی شخصی، نبود تفاوت میان حق شخصی و عمومی، عدم دفاع از حقوق عامه؛ از جمله نقاط منفی این سیستم به حساب می آمد.
- در نظام رسیدگی تفتیشی؛ تحقیق و تعقیب عدلی قضایای جزایی از اختیار افراد یا متضررین خارج و نهاد دولتی یا مدعی العموم، صلاحیت این امر را دارا می باشند.
- مواجه شدن متهم با مدعی العموم نه متضرر، انتخاب مدعی العموم از میان اشخاص مسلکی و رسمی، صلاحیت تعقیب قضایای عمومی به مدعی العموم و خصوصی به شخص مجنی علیه، احترام به مقام و

- شخصیت قاضی، علنی بودن و کتبی بودن جلسات و استفاده از شکنجه در اخذ اقوال، از جمله مشخصات بارز این سیستم دانسته می‌شد.
- اهتمام به حقوق عامه، حرفه وی بودن قضات، ثبت و کتابت قضایا، شرط گذاشتن دلایل برای محاکمه از جمله ممیزات این نظام و نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های مظنون و متهم، استعمال شکنجه، سوگند اجباری متهم، عدم آگاهی از اتهامات وارده، نبود وکیل مدافع در جریان تحقیق و مواجهه شهود و همچنان ادای مجدد و اجباری شهادت، از جمله معایب این نظام دانسته می‌شد.
 - در سیستم مختلط، توجیه اتهام توسط مقامات ویژه، رسیدگی به قضیه توسط قضات مسلکی و اعضای هیئت منصفه، تحقیق کتبی و سری توسط مرجع مشخص، آزادی در انتخاب وکیل مدافع، ممنوعیت شکنجه، آگاهی متهم از موضوع اتهام و داشتن حق دفاع، علنی بودن و تدافعی بودن محاکمه، داشتن حق اعتراض بالای تصامیم حارنوالی و محاکم، از جمله مشخصات عمده این سیستم به شمار می‌آید.
 - نظام قضائی اسلامی در بخش رسیدگی جزایی، قواعد جامع، مستقل و عادلانه خود را داشته، از حیث مبنی و منبع بر وحی الهی و سایر نصوص معتبر شرعی استوار می‌باشد.
 - حمایت مصالح فردی و عمومی، یک مرحله بودن محاکمه و رسیدگی به قضایا توسط قاضی واحد، از جمله مشخصات نظام قضائی اسلامی می‌باشد، افزون بر آن، نقض فیصله‌ها در موارد معین، و رسیدگی به قضیه توسط قضات متعدد نیز مجاز و مشروع می‌باشد، براءت ذمه، اصل مشروعیت جرم و جزا، عدم جواز تعلیق حکم، و مجاز بودن اقامه دعوی توسط افراد عادی و رضا کار، محتسب و متولی دیوان مظالم، از جمله مشخصات دیگر نظام قضائی اسلامی شناخته می‌شود.
 - سیستم اجراءات جزایی در افغانستان تحت تأثیر سیستم مختلط قرار گرفته و تحقیقات ابتدائی از محاکمه جدا شده است. هر یک از این مراحل وابسته به قواعد و مقررات ویژه می‌باشد که توسط مقامات ویژه تطبیق می‌گردد.
 - به صورت کل، در اصول محاکمات جزائی، اصل براءت ذمه، اصل احترام به حق دفاع، اصل مساوات در برابر قانون و پیشگاه محکمه، اصل قانونی بودن اجراءات، جرم و مجازات؛ اصل تعدد مراحل رسیدگی، اصل سلسله مراتب (یا تقسیم وظایف)، از جمله اصول کلی و عمده است که احترام و التزام به آن، برای تحقق یک محاکمه عادلانه و تأمین حقوق فردی و عمومی، لازم و ضروری دانسته می‌شود.

فهرست مراجع

مراجع دری:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- اسناد و مصوبات سیمینار عالی رؤسای محاکم منعقدہ ۱۲-۱۷ عقرب ۱۳۶۸. (تصویب شماره ۶۶۵ مؤرخ ۱۳۸۶/۸/۲۹ مقام عالی ستره محکمه)
- ۳- آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، سال ۱۳۶۸.
- ۴- آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، چاپ هفتم، نشر سمت، تهران، سال ۱۳۸۱.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ناشر گنج دانش، ترمینولوژی حقوقی، ۱۳۹۳،
- ۶- جویبار، رجب گلدوست، کلیات آئین دادرسی کیفری، نشر جنگل جاویدان، تهران، سال ۱۳۸۶.
- ۷- رسولی، محمد اشرف، شرح و توضیح قانون اجراءات جزایی، وزارت عدلیه، سال ۱۳۹۴.
- ۸- زراعت، عباس، آئین دادرسی کیفری، نشر قانون مدار، چاپ اول، تهران، سال ۱۳۹۰.
- ۹- ستانکزی، نصرالله، اصول محاکمات مدنی، انتشارت سعید چاپ اول، سال ۱۳۹۱.
- ۱۰- صالحی، محمد شفیق، اصول محاکمات جزائی، نشر مستقبل، کابل، سال ۱۳۹۴.
- ۱۱- عصمت الله سجاد، اسناد و مصوبات کنفرانس ملی قضائی، شماره دوم، سال ۱۳۸۲.
- ۱۲- علامه، غلام حیدر، اصول محاکمات جزایی افغانستان، چاپ دو، نشر دانشگاه ابن سینا، تابستان ۱۳۹۶.
- ۱۳- علی اکبر دهخدا، شهیدی سید جعفر، غلام رضا ستوده، لغت نامه فرهنگ متوسط دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۹۵.
- ۱۴- غلامی، حسین، مبانی حقوق و عدالت جزائی افغانستان، ناشر سفارت کبرای جمهوری فدرالی المان در کابل، ۱۳۸۵.
- ۱۵- فارابی، محمد عظیم، نحوه اجراءات اصول محاکمات جزائی، ناشر: انتشارات سعید، ۱۳۹۵.
- ۱۶- فضائلی، مصطفی، دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین المللی، چاپ سوم، زمستان ۱۳۹۲.
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، فلسفه علم حقوق، شرکت سهامی، تهران، ۱۳۸۱.
- ۱۸- محسن حسن، نظامهای دادرسی مدنی، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی "دوره چهارم ۱۳۸۹.

- ١٩- معين، فرهنگ معين، نشر مؤسسة امير كبير، تهران، سال ١٣٦٣ .
٢٠- هوشمند، عبدالقاهر، اصول محاكمات جزائي، كابل، انتشارات سعيد، ١٣٩٥ .

مراجع عربي:

- ٢١- الالباني، ناصرالدين، ارواء الغليل في تخريج احاديث منار السبيل، نسخه گرفته شده از كتابخانه انترنيتي
<https://al-maktaba.org/book/22592/3612>
- ٢٢- بوساق، محمد المدني، دور النيابة العامة في الفقه الاسلامي، جامعة نايف للعلوم الأمنية. ١٤٢٦ هـ
- ٢٣- الحريري، ابراهيم محمد، القواعد و الضوابط الفقهية لنظام القضاء في الاسلام، الطبعة الاولى، ١٩٩٩،
دار عمار، الأردن؛ زيدان، عبدالكريم، نظام القضاء في الاسلام، طبعه ثانية ١٤٠٩ هـ، مؤسسة الرسالة،
عمان، الاردن.
- ٢٤- الشيباني، منير بن نايف، تعدد درجات التقاضي في الفقه و القانون، اكااديمية نايف العربية للعلوم
الامنية، الرياض ٢٠٠٢ م .
- ٢٥- العودة، عبد القادر، التشريع الجنائي الاسلامي . نسخه PDF
- ٢٦- العودي، محمد ناهض عبد الرزاق، التأصيل الفقهي للطعن في الحكم القضائي في الفقه المالكي، مقال
نشر في مجلة جيل الدراسات المقارنة العدد ٧ الصفحة ١٣٥ <https://jilrc.com> ،
- ٢٧- الماوردى على بن محمد، الاحكام السلطانية و الولايات الدينية، ط: الاولى ١٩٦٠ الحلبي، مصر.
- ٢٨- مسلم بشرح النووي، نسخه گرفته شده از كتابخانه انترنيتي : <https://islamweb.net/ar/library>
- ٢٩- واصل، نصر فريد، السلطة القضائية و نظام القضاء في الاسلام، المكتبة التوفيقية.

مراجع اينگلسي و سايت هاي انترنيتي:

- ٣٠- <http://herawi.blogfa.com/post/2>
- ٣١- <http://law.acku.edu.af/fa/search/site>.
- ٣٢- <http://www.almaaref.org/maarefdetails.php?id=1926>
- ٣٣- <http://www.baheth.info/all.jsp?term>
- ٣٤- René Garraud « Traité de l'instruction criminelle », date ? Edition ? In French (France).